

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir

سال سوم - شماره بیست و چهارم
دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۴



سکوت لطفاً؛ مذاکرات در جریان است!
کاش انقلاب می کردیم
صدر انقلاب
نورولایت
مصاحبه با سید مسعود شجاعی





برای حضرت ناب

نویسنده: sepehra

باز بهار آمد، اما بی تو،
در دلِ یلدای تاریکِ زمان،
هنوز زمستان بی داد میکند...
باران، جلوه‌ی رحمت است و بهاران مژده‌رهایی ...
اگر در عصر اندوه زمین، تنها خرسندی انسان آمدن تو باشد،
تداعی شیرینِ حقیقت جاوید بهار، یعنی تو ...
و ما در تمامی بهارهای زمین،
و در هر روز فروردین، به رویت اردیبهشت عاشقی که،
نگاهت را به ارمغان بیاورد؛ به انتظار نشسته ایم...
و چنین است که علی‌الدوام، این همه بی تویی را تاب آورده ایم...
برآی، ای آفتابِ ناب و ای حُسنِ بی بدیل...
ای خورشیدِ روشنِ دل‌های زمستانی ما،
برآی، از پس ابرهای تیره‌گونِ رخوت و تنگ‌نظری بشر،
و نورت را از ما دریغ مدار...
تا شعاع رویایی آفتاب، بر تن منجمد این زمین خسته از جنگ بتابد...
بگذار در گستره‌ی غریبِ شرق و غرب،
از پای تمام میزهای مذاکره برخیزیم و در توافقِ روشن آفتاب روی تو محو شویم...
بیا و تمام گزینه‌های حرص و خودخواهی و ناجوامردی بشر را؛
از روی میزهای خاکی دل‌های ما بردار، و بگذار با دلی صاف و بی‌پیرایه
در توافقی نهایی، بیانیهِ ای را امضا کنیم که ابتدای آن نام «او»
و انتهای آن، مُهرِ عشقِ تو،
آن هم به شهادتی سرخ در رکابت باشد،
که این مرام شیدایان عالم است و تنها رسم گوارای شهدِ نوشی عاشقان جهان...
بیا و ما را وارث یکتا گواه حقیقت جاویدانگی انسان کن...



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
شماره ۲۴ - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۴

شناسنامه

سردبیر: Baran

همکاران این شماره:

Afsar0313 - Hamase - Hghit

Ighalameshghii - Khademoshahid

Madiyar85 - Mamitavanim92

Matinemami - Miladps3 - Msabpeykar

Msafari - Parasto - Ruqayyah69 - Salam110

Sepehra - Setia - Sobhanshahidi - Zinat1414

Shahidhadi

وبلاگ:

<http://nashriye-afsaran.mihanblog.com>

رایانامه:

nashrie_afsaran@mihanmail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

فهرست

- ۴ کلام نور
- ۵ سرمقاله
- ۶ سکوت لطفا! مذاکرات در جریان
- ۱۰ اینفوگرافیک
- ۱۱ غرب وحشی
- ۱۲ عاصفة العمى على آل سعود
- ۱۳ نگارستان
- ۱۴ سیزده بدر و چهارشنبه سوری
- ۱۶ وصیت نامه شهید
- ۱۷ خاکیان افلاکی
- ۱۸ صدر انقلاب
- ۲۰ نابغه شهید
- ۲۱ کلیپ صوتی و تصویری
- ۲۲ علی مطهری و امتحان رفع حصر
- ۲۳ کاتور
- ۲۴ کاش انقلاب می‌کردیم
- ۲۵ اسید
- ۲۶ احکام
- ۲۶ نانوشته
- ۲۷ اخبار
- ۲۸ مصاحبه
- ۳۰ نور ولایت
- ۳۱ برگی از بهشت

نشریه افسران، خود را مستقر و مستقر خود را در رسیدن به اهداف خود قرار داده است. این نشریه در مسیر حرکت خود، از انقلاب می‌داند، عضو و سرباز انقلاب اسلامی است. به کارآمدی سنت علمی و روش خود را بر مبنای تفکر شیعی و چهار می‌باشد. این نشریه در مسیر حرکت خود، از انقلاب می‌داند، عضو و سرباز انقلاب اسلامی است. به کارآمدی سنت علمی و روش خود را بر مبنای تفکر شیعی و چهار می‌باشد. این نشریه در مسیر حرکت خود، از انقلاب می‌داند، عضو و سرباز انقلاب اسلامی است. به کارآمدی سنت علمی و روش خود را بر مبنای تفکر شیعی و چهار می‌باشد.

مسئولیت مطالب درج شده در مجله به عهده نویسنده آن است. استفاده از مطالب منتشر در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «نشریه افسران» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود



من از انحطاطی که در بعضی از سران دولت ها در عصر ما حاصل شده است تعجب می کنم و نیز متعجبم از فکر حکومت های منطقه که چرا اینقدر ذلیل اند و همه چیزشان را تقدیم نموده و علاوه بر ذلت در مقابل آمریکا، در برابر اسرائیل هم ذلت را به جان می خرند. آن چیزی که دنیای متزلزل از آن می ترسد، اسلام است. اینها از حکومت جمهوری اسلامی می ترسند و ما باید محکم بایستیم و خودمان را برای مقابله با مشکلات احتمالی آینده مهیا کنیم. ما نمی توانیم شرافت اسلامی انسانی خود را از دست بدهیم. اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرت ها می شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می شد و قبرستان های ما پر از شهدای عزیز ما می گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافت مان از بین می رفت. آیا ما می توانیم نوکر و اسیر آمریکا و دولت های کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟ هرگز ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد. ملت ایران در مقابل آمریکا می ایستد و به امید خداوند پیروز است. خداوند آنقدر تأکید کرده است که ما با آنها موالات نداشته باشیم، آنوقت برای ارزانی اجناس، ما خودمان را بفروشیم؟

بیانات در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۱/۰۷/۰۲



گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید. خوشبختانه اخیراً یکی از مسئولین محترم صریحاً گفت که ما به طرف مقابل هیچ اعتمادی نداریم و این خیلی چیز خوبی است. گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید، به لبخند او فریب نخورید، به وعده ی نقد که میدهد وعده ی نقد، نه عمل نقد اعتماد نکنید، [چون] وقتی خرش از پل گذشت، برمیگردد و به ریش شما میخندد! اینقدر اینها وقیحند. امروز که یک تفاهم اولیه به صورت یک یادداشت و یک اعلامیه منتشر شده است و هنوز هیچ کار نشده است و خود طرفین میگویند که الزامی وجود ندارد، همین حالا که توانسته اند این مقدار حرکت را بکنند، شما دیدید رئیس جمهور آمریکا در تلویزیون ظاهر شد با چه ژستی، با چه ریختی!

تحریمها بایستی — اگر چنانچه حالا خدای متعال مقدر فرموده بود و توانستند به یک توافقی برسند — در همان روز توافق به طور کامل لغو بشود؛ این باید اتفاق بیفتد. اگر قرار باشد که لغو تحریمها باز متوقف بشود بر یک فرایند دیگری، پس چرا ما اصلاً مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشست پشت میز مذاکره و بحث کردن و بگومگو کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریمها برداشته بشود؛ این را باز بخواهند متوقف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست.

بیانات در جمع مداحان ۱۳۹۴/۱/۲۰



سید محمد باقر



به قلم سردبیر: Baran

اما متاسفانه دیدگاه دولت ، تکیه بر قدرت خارجی برای اصلاح اقتصاد بوده است .

فرشاد مومنی استاد دانشگاه علامه طباطبایی می گوید: «دولت با نشان دادن بلوغ فکری پذیرد آن چیزی که قدرت چانه‌زنی کشور را در مذاکرات افزایش می‌دهد و بقای کشور را تضمین و امنیت ملی کشور را حفظ می‌کند، از جنبه اقتصادی بنیه تولید ملی است .دولت جسته و گریخته اشاره کرده که اگر ماجرای هسته‌ای سامان یابد، خارجی‌ها برای سرمایه‌گذاری به ایران می‌آیند و اقتصاد ایران را به سامان می‌رسانند. این نگرش بسیار نادرست است و واقعیت‌های تاریخی اقتصادی خلاف آن را نشان می‌دهد».

هدف دشمن در نهایت قرار دادن ملت در برابر دولت و نظام است و اینبار به کمک اقتصاد این هدف را دنبال می‌کند. دولت باید مراقب باشد با تکیه بر قول‌های استکبار و با بی برنامه‌گی اقتصادی برای داشته‌های خود به این هدف دشمن کمک نکند زیرا شکست در رفع مشکلات اقتصادی

- حتی اگر بارها امارهای رویایی برای مردم خوانده شود- موجب تشویش ذهن ملت و دور شدن دل‌ها از دولت یازدهم خواهد شد .

این موضوع می‌تواند یکی از دلایل نامگذاری امسال در راستای مقابله با نیرنگ اختلاف افکنی اقتصادی توسط آمریکا و متحدانش باشد . در مورد انتخابات هم متاسفانه آقای رییس‌جمهور در سخنان اخیر تاکیده‌ای بی‌موردی برای انتخابات داشتند که موجب تعجب مخاطبان گردید . به عنوان مثال ایشان هنگام صحبت درباره توافق لوزان به بحث انتخابات اشاره کردند و این شائبه را بوجود آوردند که از مذاکرات برای

منافع حزبی استفاده شود . در این زمینه نیز دولت باید همدلی بیشتری با تمام ملت نشان دهد و خدای نکرده موجب فرصت سازی برای دشمنان نشود .

در کنار این موارد ملت نیز باید دلسوزانه به دولت کمک کند و اگر انتقادی لازم بود آن را وضع مناسب و در موقعیت مناسب و با شکل مناسب مطرح کند و حتی در بدترین حالت‌ها هم نباید شکل مخاصمه به خود بگیرد .

ابتکار نامگذاری سالها برای اولین بار توسط رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله) از سال ۱۳۷۸ آغاز شد که آن سال را سال امام خمینی نامیدند . پس از آن این نام‌گذاری به شکل یک سنت همه ساله تکرار می‌گردد.

بنابر گفته غلامعلی حداد عادل فلسفه این کار جلب توجه مردم به یک ارزش خاص و همین‌طور در نقطه مقابل آن به یک مشکل است. بر این اساس رهبری معظم انقلاب با اطلاعات و گزارش‌هایی که از سراسر کشور دریافت می‌کند، و بررسی برخی پارامترهای اجتماعی، دینی و فرهنگی دیگر، مردم را به یک موضوع توجه می‌دهد.

از این منظر نامگذاری سال ۹۴ به «همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت» بسیار جالب توجه بوده و اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد . اما این سوال پیش می‌آید چرا موضوع مورد نظر اینقدر مهم است که تبدیل به محور اصلی فعالیت‌ها در سال جدید شده است ؟

سال ۹۴ منتظر اتفاق‌های مهمی است :

- ۱- آغاز دولت یازدهم با وعده رفع تحریم‌ها بود و اینکار با تکیه بر مذاکرات هسته‌ای انجام شده است بعد از حدود دوسال قرار است تیرماه امسال این مذاکرات طولانی به نتیجه برسد و توافق نهایی بین طرفین حاصل گردد؛
- ۲- انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان.

این دو مورد بار سنگینی بر دوش دولت و البته ملت است که هر دو ظرفیت و استعداد تبدیل به شدن به یک فتنه توسط دشمن را دارند .

طبق برنامه ریزی دولت می‌بایست توافق نهایی منجر به لغو تمامی تحریم‌ها از طرف استکبار شود و بدین صورت گشایش خوبی در وضع اقتصاد ایجاد گردد . رهبر انقلاب در سخنان روز اول سال جدید فرمودند امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است . ایشان در چند سال اخیر بارها مسئولان را به تمرکز بر اقتصاد مقاومتی و تقویت درون‌توسیه کرده‌اند



سکوت لطفا! مذاکرات در جریان است!

عدم شکست مذاکرات چندماهه و ثانیاً اعلام عمومی توافق شده‌ها و همچنین بیان مواضع طرفین در مورد توافق نشده‌ها بود. در واقع در جریان مباحثات و مذاکرات، بر سر مواردی راه‌حل مشترک حاصل شده و مواردی نیز هنوز محل اختلاف است. در لوزان مواردی که به نتیجه رسیده است در قالب بیانیه‌ی مشترک اعلام عمومی شد و همچنین در مورد موارد اختلافی، هر یک از طرفین موضع و خواسته‌ی خود را در قالب فکت‌شیت منتشر کردند.

یکی از نکات توصیه‌ای رهبرانقلاب در سخنرانی نوروزی خود در حرم‌رضوی عدم دومرحله‌شدن توافقات بود که در نتیجه‌ی این نکته لوزان که شاید می‌توانست یک مرحله از توافق نهایی باشد و مشکلات و تبعات احتمالی بعدی را ایجاد کند، با یک بیانیه‌ی مطبوعاتی خاتمه یافت.

لوزان یک توافق تعهدآور، همچون ژنو، نیست و صرفاً از بابت «شفاف‌سازی» صورت‌پذیرفته قابل اعتناست. در جریان مذاکرات و بیانیه‌ی لوزان مشخص شد از لایلای موضوعات مورد مذاکره (که بنابر نظر دکتر ظریف بصورت چرکنویس و نهایی نشده میان دوطرف وجود دارد) کدام موضوع با چه کیفیتی به نتیجه رسیده و طرفین چه تعهداتی را حاضرند در توافق نهایی بپذیرند و همچنین روشن شد که در موارد اختلافی موضع طرفین برای چانه‌زنی در سه ماه پیش‌رو چگونه خواهد بود. حال افکار عمومی میدانند ایران و امریکا در این سه ماه در موضوعات مختلف (نحوه‌ی رفع تحریم‌ها و...) از مذاکرات چه می‌خواهند و بر سر چه چیزی خواهند جنگید. در واقع تفسیر درست بحث فکت‌شیت‌ها و تناقض‌هایشان همین است.

با این تفسیر، دو رفتار و واکنش متفاوت و سراسیمه که توسط گروه‌هایی از مردم و نخبگان پس از لوزان اتفاق افتاد، رفتاری معقول و حساب‌شده بحساب نمی‌آید. ترکمنچای خواندن لوزان (لوزانی که اصلاً توافقی در آن مطرح نیست) و از دست رفته پنداشتن همه چیز، به استناد فکت‌شیت امریکایی موضعی به دور از واقعیت بود و اساساً مقایسه‌ی ترکمنچای و شرایط اسف‌بار آن روزهای کشورمان با اقتدار و عزت امروز که سال‌ها و ماه‌ها و روزهای پیاپی کشورهای بزرگ مدعی ابرقدرتی

مذاکرات چندروزه و فشرده‌ی لوزان، جو سنگین تبلیغاتی پیرامون آن و نهایتاً به میان خبرنگاران آمدن طرفین و عکس‌یادگاری و قرائت بیانیه‌ی پایانی، همه و همه مفهوم یک اتفاق مهم و چیزی شبیه یک توافق، همانند ژنو و موارد مشابه آن، را منتقل می‌کردند. در متن بیانیه‌ی رسمی قرائت شده توسط نمایندگان دوطرف هم خبر از توافق بر سر مسائلی از مسائل مورد مذاکره بود. اما ابهامات و نقص‌ها و یا سکوت‌های بیانیه‌ی لوزان از یک سو و انتشار فکت‌شیت‌ها (یا هر اسم و عنوان دیگر) از جانب طرفین، از سوی دیگر خیلی زود آب سردی بود بر تمام التهاب‌ها و حواشی کلمه‌ی «توافق»!

در این یادداشت اجماً به زوایایی از مذاکرات و بیانیه‌ی لوزان، توافقات و ابهامات و آینده‌ی مذاکرات تا رسیدن به توافق جامع می‌پردازیم!

بیانیه، توافق یا فکت‌شیت؟! مسئله این است!

حدود یکسال و نیم است که طرفین بر سر موارد اختلافی مشخصی در حال مذاکره هستند. مذاکرات با تمام فراز و فرودهایش به لوزان رسید و خروجی لوزان یک متن بیانیه‌ی رسانه‌ای مشترک، یک تفسیر امریکایی و یک تفسیر ایرانی و همچنین مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای تفسیری از سوی طرفین بود. این متن‌ها و موضع‌گیری‌ها دارای نقاط مشترک و همچنین نقاط اختلافی و متناقض بود.

طبق اصل «توافقی صورت نگرفته، مگر اینکه در مورد همه‌ی مسائل توافق حاصل شود»، وجود یک نقطه‌ی مورد اختلاف از مسائل مهم مورد مذاکره، مثلاً نحوه‌ی برداشته شدن تحریم‌ها، کافیت تا بگوییم توافقی حاصل نشده است. در نتیجه به هیچ عنوان نمی‌توان لوزان را یک توافق، به معنی آنچه تعهدآور است، نامید.

اما پس لوزان چه بود؟! در جریان مذاکرات بر سر یک سری مسائل توافق شده و یک سری اختلافات هنوز باقی مانده است. لوزان و بیانیه‌اش که آنرا «پارامترهای برنامه جامع اقدام مشترک (PCJPOA)» می‌خوانند، اولاً یک نمایش تبلیغاتی از سوی طرفین برای اعلام

در دنیا را از این شهر به آن شهر پای می‌کشاند و مینشاند که طرف دیگر آن یک کشور، یعنی جمهوری اسلامی ایران است، مقایسه‌ی اشتباهی است.

از آن طرف هم ذوق کردن‌ها و کف و سوت‌زدن‌های گروهی از مردم در خیابان‌ها و گروهی از سیاسیون و رسانه‌ها در روزنامه‌ها و سایت‌هایشان، مایه‌ی تأسف بود. خوشحالی از لفظ «توافق»، صرف نظر از اینکه اصلاً مفاد آن چیست و چه اتفاقی قرار است به موجب آن بیفتد، مسئله‌ای تأمل‌برانگیز است که ریشه‌های آن نه در نیای سیاست که از منظر فرهنگی و اجتماعی باید بررسی شود.

البته از یک منظر شاید بتوان به هر دو گروه حق داد. ابهامات ناشی از عدم انتشار اطلاعات و جزئیات بصورت رسمی و بیش از حد محرمانه بودن جزئیات مذاکرات از سوی طرف ایرانی، اینگونه تحلیل‌ها و اظهار نظر‌ها را دامن می‌زند.

موارد مورد توافق تا اینجای کار عمدتاً مربوط به تعهدات ایران و امتیازاتی است که ایران پذیرفته که بدهد، است. محدودیت‌هایی در تعداد سانتریفیوژها و سطح غنی‌سازی، اعمال نظارت‌ها (پذیرش پروتکل الحاقی و حتی بعضاً فراتر از آن)، اعمال تغییرات در فوردو، اراک و... از این جمله‌اند.

اگرچه اگر از زاویه‌ی استقلال و عزت‌ملی به مسئله بنگریم، اعطای کوچکترین امتیازی هم غیرقابل تحمل است اما وقتی تن به ورود به مذاکرات بده - بستان می‌دهیم و اگر بخواهیم با ادبیات مذاکره‌ی این‌چنینی صحبت کنیم، باید صابون امتیاز دادن را نیز به تن‌مان بمالیم.

در حال حاضر درمورد امتیازاتی که ایران باید بدهد، دو دسته از موارد مطرح است. دسته‌ی اول مواردی است که طرف ایرانی تاکنون پذیرفته و در صورت حصول توافق نهایی رسماً به انجام آنها متعهد خواهد شد. این موارد را میتوان در بیانیه رسمی لوزان و همچنین فکت‌شیت ایرانی یافت. دسته‌ی دوم مواردی است که هنوز مورد اختلاف است و در این سه ماه باقیمانده تعیین تکلیف خواهد شد. این موارد در ادعاهای طرف امریکایی و از فکت‌شیت آنها بدست می‌آید. یعنی طرف ایرانی اعطای یک سری امتیازات را پذیرفته و یک سری دیگر هم مورد مطالبه‌ی طرف مقابل است که طرف ایرانی هنوز زیربار نرفته است.

شاید بتوان گفت چشمگیرترین مورد از موارد دسته‌ی اول، سایت فوردو و تغییرات آن باشد. این سایت که ۴۰ متر زیر زمین بوده و ۹۰ متر نیز پوشش کوه دارد، یعنی مجموعاً با ۱۳۰ متر ضریب عدم دسترسی برای انهدام موشکی دشمن، یکی از تاسیسات استراتژیک و فوق امن هسته‌ای کشور برای غنی‌سازی اورانیوم محسوب می‌شد که میتوان گفت تا اینجای کار پذیرفته شده که این کاربری از بین برود. در واقع سانتریفیوژی در این سایت غنی‌سازی نخواهد کرد و صرفاً ۱۰۰۰ سانتریفیوژ، میتوان گفت بصورت نمادین، در آن «حضور» خواهند داشت!

اگرچه سعی می‌شود با بازی با کلمات و استفاده از تعبیری نظیر «تبدیل به مرکز هسته‌ای، فیزیک و فن آوری» و یا «همکاری‌های بین‌المللی برای تحقیق و توسعه در این مرکز» و همچنین جملاتی

نظیر «فوردو تعطیل نمیشود»، «فوردو به کار خود ادامه میدهد» و... امتیاز داده شده در مورد فوردو پنهان بماند، اما در واقع فوردو یکی از داده‌های ارزشمند ماست و خوب است که در کل اگر امتیازی هم از داشته‌هایمان می‌دهیم، آنرا بزرگ دانسته و سعی نکنیم ارزش آنرا تقلیل دهیم. آنرا بعنوان هزینه‌ای که داده‌ایم با مردم درمیان بگذاریم تا در قبال این هزینه‌ها سرمایه‌های ارزشمند کسب کنیم!

در کل مواردی از این دست وجود دارد که تا اینجای کار خود طرف ایرانی آنها را پذیرفته (البته این موارد به شرطی انجام خواهد شد که توافق نهایی حاصل شود) اما بحث اصلی روی موارد اختلافی است. مواردی که فکت‌شیت دو طرف درباره‌ی آنها به تضاد و تناقض میرسد و یا ابهاماتی وجود دارد. مثلاً بحث تحقیق و توسعه‌ی مرتبط با غنی‌سازی در فوردو، کیفیت برنامه‌ی تحقیق و توسعه بر روی ماشین‌های نسل جدید، نحوه‌ی بازطراحی راکتور اراک و کیفیت راکتور نهایی حاصله، سطح و حوزه‌ی نظارت‌ها (مباحثی که بخواهد پای مسائل دفاعی و نظامی کشور را هم به نظارت‌ها باز کند) و...

اما مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نقطه‌ی اختلافی بحث «نحوه‌ی رفع تحریم‌ها» است. طرف ایرانی، به حق، تأکید شدیدی بر لغو تمامی تحریم‌ها، بصورت یکجا (و نه گام‌به‌گام و در چند مرحله) و همزمان با اجرای تعهدات ایران (و نه با یک فاصله‌زمانی و یا با شروطنی پس از اجرای تعهدات ایران) دارد.

اما در فکت‌شیت امریکایی‌ها خبری از این قید و بندهای شدید مطرح‌شده از سوی طرف ایرانی نیست. فکت‌شیت امریکایی‌ها از «تخفیف تحریمی»، «تعلیق» و «حفظ شدن معماری تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای ایالات متحده در بخش اعظم دوره توافق» سخن می‌گوید.

جان‌کری لحظاتی بعد از قرائت بیانیه‌ی لوزان و صحبت‌های ظریف مبنی بر لغو تحریم‌ها در مصاحبه‌ی خود گفت: «بر اساس این توافق خوب، تحریم‌ها به صورت مرحله به مرحله و در قبال عمل کردن ایران به تعهداتش برداشته خواهد شد و به محض تخطی ایران از این تعهدات، تحریم‌ها فوراً بازخواهد گشت». او با ما نیز بر این موضع تأکید کرد: «جامعه بین‌المللی پذیرفته مرحله به مرحله بخشهایی از تحریم‌ها علیه ایران را لغو کند!»

مهلت سه ماهه: از اعتماد ما به طرف ایرانی مذاکرات تا اعتماد طرف ایرانی به طرف مقابل

بطور خلاصه میتوان گفت در حال حاضر اختلافات و تضادهای جدی‌ای در مسائلی کلیدی میان تفاسیر دوطرف وجود دارد. قطعاً ما پس از شنیدن مواضع و تفاسیر متناقض دوطرف ایرانی و امریکایی مذاکره، پرواضح است که به گفته‌های نمایندگان خود اعتماد میکنیم. اما این اعتماد به معنی عدم اعتنا به مواضع طرف امریکایی نیست! در موارد اختلافی، خاصتاً در موضوع رفع تحریم‌ها، موضع ما موضعی است که از سوی تیم مذاکره‌کننده کشورمان مطرح شده است و به تیم خود اعتماد داریم. اما با این تفاسیر چند نکته‌ی کلیدی در مورد مذاکرات حیاتی سه ماه پیش رو مطرح است:

اول: در هیچ‌کجا و هیچ مرحله‌ای از مذاکرات و توافقات، در مواجهه با طرف مقابل، مبنای خود را بر «اعتماد» نگذاریم! اینکه نمیتوان به طرف مقابل، بخصوص امریکایی‌ها، اعتماد کرد،

امری کاملاً عقلانی، واقع‌گرایانه و براساس تجربیات گذشته است. اگرچه در مواضع مذاکره‌کنندگان مان بعضاً شواهدی از این بی‌اعتمادی وجود دارد (مثلاً صحبت آقای عراقچی در گفتگوی ویژه خبری پس از بیانیه‌ی لوزان که گفت «تجربه نشان داده که آمریکا غیرقابل اعتماد است» و یا صحبت دکتر ظریف در برنامه‌ی نگاه یک که گفت «اینکه آمریکا با ما خصومت دارد حرف جدیدی نیست») اما بعضاً بنظر میرسد در بعضی از موارد و وقتی که بحث وفای به عهدها و متعهدبودن به تعهدات مطرح می‌شود، با یک خوشبینی درمورد طرف مقابل رفتار می‌شود. این مسئله اگر در سند توافق نهایی تأثیر گذاشته و انجام تعهدات طرف مقابل از روی اعتماد ما بخواهد انجام شود، اتفاق بسیار بدی افتاده است.

مثلاً در مهم‌ترین چالش پیش‌رو یعنی بحث تحریم‌ها، برداشته شدن تحریم‌ها مشروط به تأیید آژانس بین‌المللی اتمی شده است! سابقه‌ی بد آژانس و متهم بودن آن به سیاسی‌کاری دلیل معقولی برای بی‌اعتمادی به اوست اما در اینجا و در مهم‌ترین نقطه‌ی مورد مناقشه نقش پررنگی به آن داده شده است. دکتر ظریف در برنامه‌ی نگاه یک در این باره نظری مطرح کردند که نگران‌کننده بود:

«آژانس باید ثابت کند که میتواند مستقل عمل کند و تحت تأثیر قدرت‌ها و تبلیغات و... نیست! ... آژانس باید اعتماد مردم ایران را جلب کند!»

این تعبیر سرشار از «اعتماد» است. اینکه ما برداشته شدن تحریم‌ها، موضوع و اصل دلیل مذاکره، را محل آزمون آژانس برای نشان دادن حسن نیتش قرار دهیم، بسیار نگران‌کننده است. این مسئله «راستی‌آزمایی» فعالیت‌های ایران توسط آژانس و طرف مقابل، یکی از نقاط تیره و خطرناک است که در ادامه بیشتر به آن می‌پردازیم.

دوم: تعهدات طرف مقابل مشروط به تعهدات ما نشود و همزمان باشد. زیر بار رفع چندمرحله‌ای و مشروط تحریم‌ها نرویم! حربه‌ی رفع مشروط تحریم‌ها تاکتیکی برای بهانه‌گیری و نقض عهد است. چه تضمینی وجود دارد که پس از انجام تعهدات ایران، طرف مقابل با بهانه‌گیری‌ای که حتی ممکن است با سوء استفاده از ابهامات و نقاط گنگ احتمالی متن توافقنامه صورت بپذیرد، زیر میز بازی نزده و به تعهدات خود عمل کند؟!

همچنین، «رفع تحریم‌ها جزئی از توافق است و نه نتیجه‌ی آن» این نکته یکی دیگر از خطوط قرمز تبیین شده از سوی رهبر انقلاب در سخنرانی نوروزی در حرم رضوی بود و اساساً توافقی که در آن رفع

تحریم‌ها دیده نشده باشد، بی‌معنی است!

سوم: تعهدات «برگشت‌ناپذیر» ندهیم!

با توجه به نکات قبلی و لزوم بی‌اعتمادی به طرف مقابل، احتمال بازگشت از مسیر توافق حتی پس از امضای توافق را نیز می‌بایست درنظر گرفت و برای آن برنامه داشت. اولاً می‌بایست نحوه‌ی تشخیص نقض عهد طرف مقابل روشن و مشخص باشد. در ثانی می‌بایست برای بازگشت به نقطه‌ی قبل از توافق توان عمل و امکان وجود داشته باشد و این یعنی نباید در توافق نهایی تعهد غیرقابل برگشت و یا برگشت‌پذیر با هزینه‌ی بالا داد. بعضی از تعهدات ما از جنسی است که اگر بحث برگشت‌پذیری یا برگشت‌ناپذیری در مورد آنها لحاظ نشود، میتواند در آینده برای ما هزینه‌زا باشد.

مثلاً از بین بردن ذخیره اورانیوم غنی شده (ذخیره‌ای که طی سال‌ها انجام عمل غنی‌سازی بدست آمده است)، باز طراحی و تغییر کاربری‌ها در سایت‌های هسته‌ای نظیر خارج‌کردن قلب رآکتور اراک و دیگر تغییراتی که قرار است در آن اتفاق بیفتد و کیفیت آنها هنوز مبهم است و یا از بین بردن زیرساخت‌های غنی‌سازی فوردو (که البته این مورد در فکت‌شیت امریکایی ادعا شده است)، خروج مواد از کشور و دیگر مواردی که همچون مواردی نظیر به کار انداختن سانتریفیوژها و شروع غنی‌سازی براهتی قابل بازگشت نیستند.

بحث بازگشت‌پذیری تعهدات نیز یکی دیگر از نکات مهم مطرح شده از سوی رهبر انقلاب در سخنرانی نوروزی ایشان در حرم رضوی بود.

چهارم: توافق، مبهم، گنگ و قابل تفسیر نباشد!

از آنجایی که طرف مقابل غیرقابل اعتماد، حق ناپذیر و عهدشکن است در صورت وجود امکان و دستاویز قانونی بدست آمده از متن توافق، برای نقض عهد و شانه خالی کردن از تعهدات خود اقدام خواهد کرد. هیچ کجای متن توافقنامه‌ی نهایی، حتی در کلمه‌ای نباید اجازه‌ی سوء تفسیر و سوء استفاده را به طرف مقابل بدهد. امریکایی‌ها آنقدری عهدشکن و غیرقابل اعتماد هستند که حتی اگر مسئله‌ی را زبانا و کتاباً بپذیرند، ممکن است در آینده آنرا نقض کرده و خلاف آن عمل کنند، حال چه برسد به اینکه در مسئله‌ای حتی علناً هم آنرا نپذیرفته و تفسیر متفاوت خود را از آن ارائه دهند! در این حالت که دیگر به یقین میتوان مطمئن بود که آنها آنطور که مدنظر ماست عمل نخواهند کرد. در حال حاضر و پس از بیانیه و فکت‌شیت‌های لوزان در مسئله‌ی مهم رفع تحریم‌ها شرایط اینگونه

Iran nuclear agreement please Silence in Meetings Negotiations progress Comprehensive Timeline program



است. قطعاً و یقیناً با این شرایط و سعی بر قبولاندن زوری مسئله به طرف امریکایی که قرار است خود او آنرا اجرا کند، کاری بی معنی است. با فکت شیت و مصاحبه و... نمی‌توان کسی را که علناً میگوید من تحریم‌ها را به طور کامل و یکجا لغو نخواهم کرد، مجاب کرد که نه! تو حتماً لغو خواهی کرد!

در کل تعهدات طرفین را میتوان از چهار جنبه مورد بررسی و تحلیل قرار داد: «برگشت‌پذیر یا برگشت‌ناپذیر بودن»، «نقد یا نسیه بودن»، «همزمان یا همراه با تقدم و تأخر بودن» و «شفاف یا مبهم بودن» که می‌بایست در توافق نهایی، از هر چهار جنبه «اصل تقارن» در مورد تعهدات طرفین رعایت شود.

نتیجه چه خواهد بود؟!

در سه ماه مذاکره‌ی پیش رو، اگر امریکایی‌ها حاضر نشوند در قبال امتیازاتی که طرف ایرانی اعطای آنها را پذیرفته، تحریم‌ها را لغو کنند و بر موضع فعلی باقی بمانند، دیگر توافق بی معناست و علناً مذاکرات شکست خورده است چراکه یک طرف هدف از اصل این مذاکرات رفع تحریم‌ها بوده است. در این صورت تجربه‌ای باز هم به تجارب ملت و دولت ایران افزوده خواهد شد و چهره‌ی غیرقابل اعتماد و حق‌ناپذیر امریکایی‌ها بار دیگر عیان می‌شود. اینجاست که آغوش‌ها برای بازگشت دولت به مسیر توجه به ظرفیت‌های داخلی و پیشرفت درون‌زا باز خواهد بود.

حالت دیگر آن است که طرف امریکایی به لغو تمام تحریم‌ها با آن شرایطی که ذکر شد، تن دهد. توافق نهایی با وجود امتیازات داده شده از طرف ایران، از منش و روش دیپلماسی دولت، به نتیجه رسیده و طرفین بر تعهدات خود پایبند مانده و کار به سرانجام میرسد. اما حالت دیگری هم متصور است. حالتی که در آن یک‌سری اتفاقات و جریان‌های دیگر و شاید جدید، از فردای روز توافق آغاز شود.

و آن هم ماجرای «راستی‌آزمایی» است!

«راستی‌آزمایی» چالش اصلی توافق احتمالی

پیچ‌لزم صحنه‌گذاشتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اجرای تعهدات ایران یک قطعه‌ی پازل و سعی طرف مقابل به وارد کردن بحث PMD و زدن یک پل از مسئله‌ی هسته‌ای به مسائل موشکی و صنایع دفاعی هم می‌تواند قطعه‌ی دیگری از پازل برهم زدن توافق نهایی، پس از وقوع آن باشد! در فکت‌شیت امریکایی (موضع امریکایی‌ها برای چانه‌زنی در ماه‌های آتی) آمده است:

«ایران اقدام به اجرای مجموعه‌ای مورد توافق از اقدامات برای پرداختن به نگرانی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره جنبه‌های نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای خود خواهد کرد.»

همچنین در جای دیگر آمده: «در این قطعنامه، محدودیت‌های مهم بر تسلیحات متعارف و موشک‌های بالستیک و همچنین مجوزهایی که اجازه بازرسی محموله‌ها و بلوکه‌داری‌ها را می‌دهد، وجود خواهد داشت.» همچنین در مورد بازرسی‌ها از تعبیری نظیر «گسترده» و «پیچیده» استفاده کرده است!

امریکایی‌ها بارها و بارها تأکید کرده‌اند که «امنیت اسرائیل» مهم‌ترین دغدغه‌ی آنهاست. رهبر انقلاب چندی پیش فرمودند حتی اگر توافق نهایی نیز صورت پذیرد، اسرائیل روز به روز ناامن‌تر خواهد

شد. از دیگر موضوعات تحریم ایران بحث موشکی و همچنین حمایت ایران از تروریسم (به تعریف آنها)، یعنی همان حزب‌الله لبنان، حماس و دیگر گروه‌هایی که روبروی اسرائیل صف‌آرایی کرده‌اند، است.

قطعات این پازل که کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، میتوان سناریویی را برای آینده ترسیم کرد. امریکا در راستای امنیت اسرائیل، پس از مسئله‌ی هسته‌ای درصد آن است که وارد مسئله‌ی موشکی ایران نیز بشود. هم از طریق مباحثی نظیر PMD و در قالب توافق و از راه دیپلماسی و هم از طریق حفظ تحریم‌های مربوط به آن. این مسئله که در قالب توافق خود را در بحث «راستی‌آزمایی» نشان میدهد، میتواند چالش اصلی روزهای پس از توافق باشد. مسئولین نظامی بارها تأکید کرده‌اند که اجازه‌ی نفوذ و ورود دشمن به مسائل دفاعی کشور را نمیدهند، از آن طرف توافق احتمالی میتواند با ابهام‌های احتمالی این دستاویز را به طرف مقابل بدهد و در نتیجه شاهد تلاطم‌هایی تحت مسئله‌ی «راستی‌آزمایی» باشیم!

این تلاطم در صورتیکه اتفاق خواهد افتاد که حرف امریکایی‌ها در مورد نحوه‌ی رفع تحریم‌ها به کرسی بنشینند. در واقع تن دادن به خواسته‌ی امریکا در مورد تحریم‌ها، نه تنها توافق نهایی را از درون پوچ و بی‌هویت میکند (مذکراتی که بر سر رفع تحریم‌ها بوده با توافقی بدون برداشته شدن تحریم‌ها پایان یابد) که مشکلات و بحران‌های دیگری را بر کشور تحمیل خواهد کرد!

لغو همه جنبه و یکباره‌ی تحریم‌ها پس از توافق جامع، کلید صفر و یک توافق یا عدم توافق است. تیم مذاکره‌کننده‌ی ایرانی قطعاً در این سه ماه تمام تلاش خود را برای به نتیجه رسیدن مذاکرات خواهد کرد اما قطعاً در صورتیکه طرف مقابل کلید توافق را با عدم پذیرش رفع تحریم‌ها، خاموش کند، کاری نیز از دست دیپلماسی طرف ایرانی و تلاش‌های چندین و چندماهه‌ی آن برنخواهد آمد.

امروز در یک طرف این قائله همدلی و همزبانی یک ملت و دولت و در طرف دیگر مجموعه‌ای از فریب‌ها، عهدشکنی‌ها و دورویی‌ها قرار گرفته که امیدواریم این همدلی و همزبانی به نتیجه‌ای ضامن عزت و منافع ملی ختم شود.

آرزوهای بزرگ ما برای ملت در این ساله پیشرفت اقتصادی است؛ اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ جهش‌های علمی به معنای واقعی است؛ عدالت قضایی و اقتصادی است؛ و ایمان و معنویت است که از همه مهمتر و پشتوانه‌ی همه‌ی آن سرفصل‌های دیگر است.
پیام نوروزی ۱۳۹۴/۱/۸



برای مشاهده اندازه اصلی کلیک کنید



دخالت امریکا

دخالت پنهانی سیا در امور شیلی و خوی استبدادی و سرکوبگر ژنرال پینوشه، کودتای ۱۹۷۳ شیلی را به بدنام‌ترین و فاجعه‌بارترین نمونه تصاحب قدرت در تاریخ امریکای لاتین تبدیل کرد. این کودتا اعدام ۳۰ هزار نفر و بازداشت و زندانی شدن ۱۰۰ هزار نفر را در شیلی به دنبال داشت.

در پی این کودتا دوره‌ای از خشونت، ترس و خفقان در شیلی آغاز شد. تنها در سه ماه نخست دیکتاتوری پینوشه، ۱۲۰۰ نفر کشته یا ناپدید شدند، که همه آنها را به نیروهای پینوشه نسبت می‌دهند. در این دوره هرگونه اعتراض عمومی ممنوع بود. مجلس شیلی منحل شد و سانسور شدیدی بر تمام رسانه‌های شیلی اعمال می‌شد.

حکومت پینوشه، با کمک سازمان‌های اطلاعاتی، تمام مخالفان را با تعقیب، شکنجه، اعدام، ترک دیار اجباری و تبعید سرکوب کرد. تخمین‌ها حاکی از آن است که در طول دوره حکومت‌رانی پینوشه در شیلی، ۱۵۰ هزار نفر به جرم‌های سیاسی به زندان افتادند، ۱۰۰ هزار نفر مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند و یک میلیون نفر یا به پای خود ترک دیار کردند یا تبعید شدند.

انتشار خبر دخالت امریکا و سیا در این کودتا به رسوایی‌ای بزرگ در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی انجامید.

طی تحقیقات جامع و دقیقی که انجام شد معلوم شد رئیس‌جمهور وقت امریکا، ریچارد نیکسون به سیا دستور داده که «فریاد اقتصاد شیلی را درآورند» تا «از به قدرت رسیدن آینده جلوگیری شود یا اینکه او را از مسند قدرت پایین بکشند».

در بین این اسناد تلگرام‌های ادوارد گُری، سفیر ایالات متحده در شیلی پس از انتخاب آینده وجود دارد که جزئیات مذاکرات او با رئیس‌جمهور وقت شیلی، ادواردو فری درباره امکان و نحوه جلوگیری از اعلام رسمی و عمومی انتخاب آینده را در خود دارند. این تلگرام‌ها پر هستند از توضیحات و اظهارنظرهای پر از جزئیات درباره قدرت‌های سیاسی مختلف در شیلی، قدرت‌هایی چون ارتش شیلی، حزب دموکرات مسیحی، و انجمن بازرگانی ایالات متحده.

در ۸ سپتامبر ۱۹۷۴ «ویلیام کولب»، مدیر وقت سازمان اطلاعات و جاسوسی امریکا - سیا از نقش اساسی این سازمان جاسوسی جهت از پیش‌رو برداشتن سالوادور آلنده، رئیس‌جمهور وقت شیلی پرده برداشت و یادآوری کرد که دولت نیکسون طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ بیش از ۸ میلیون دلار را به فعالیت‌های سازمان سیا در شیلی اختصاص داده بود تا موانعی بر سر راه دولت آلنده و فعالیتش در این کشور ایجاد کند.

این اطلاعات، از زمان کودتای شیلی تا به امروز اسناد و اطلاعات محرمانه سیا و وزارت خارجه امریکا مربوط به این برهه از تاریخ این کشور محرمانه و غیرقابل دسترس بوده‌اند؛ اما با تصویب قانون آزادی اطلاعات در ایالات متحده و فشار بین‌المللی دسترسی به آنها امکان پذیر شد.

پینوشه تا سال ۱۹۹۰ بر مسند قدرت باقی ماند. در دهم اکتبر سال ۱۹۹۸ یک قاضی اسپانیایی دستور دستگیری ژنرال پینوشه را صادر کرد. وی شش روز پس از آن در خانه‌اش در لندن دستگیر شد و تا ماه مارس سال ۲۰۰۰ که دولت بریتانیا او را آزاد کرد در حبس خانگی بود. پینوشه تا زمان مرگش، با ۳۰۰ اتهام گوناگون روبرو شد، از جمله پرونده کاروان مرگ، ترور و عملیات کوندور.

قبل از انتخابات سال ۱۹۶۴، دولت کندی تیمی متشکل از ۱۰۰ مأمور سیا و وزارت خارجه را به شیلی فرستاد تا بتواند نتیجه انتخابات را عوض کند. کمپین «ترس سرخ» با تصاویر تیرباران افراد و تانک‌های شوروی برای ترساندن زنان، تولید برنامه‌های رادیویی توسط سیا، پخش اخبار ساختگی، و موارد مشابه همه در همین راستا بود، و در نهایت «ادواردو فری» با رأی اکثریت زنان انتخابات ۱۹۶۴ را از آلنده برد. اما علی‌رغم همه کمپین‌های آمریکا، آلنده در سال ۱۹۷۰ علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی و کمپین بی‌ثبات‌سازی آمریکا، دوباره در انتخابات پیروز شد.

دولت وی بلافاصله پس از تشکیل به سراغ اجرای برنامه اصلاحات بلندپروازانه‌ای رفت؛ برنامه‌ای شامل مصادره املاک زمین‌داران بزرگ، ملی کردن بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و چندین تشکیلات بزرگ صنعتی. هدف اصلی این اصلاحات هم توزیع مجدد ثروت‌های ملی به نفع فقرا و مستمندان جامعه آن زمان شیلی بود.

از آنجا که این اصلاحات در خدمت‌رسانی به طبقه کارگر شیلی به موفقیت دست یافته بود (با توزیع دو میلیون هکتار زمین میان مزرعه‌داران، کاهش بیکاری، افزایش دستمزدها، و تامین مسکن بهتر برای طبقه کارگر)، خشم شدید طبقات بالا را برانگیخت. ایالات متحده امریکا هم نگران بود که سانتیاگو بیشتر و بیشتر به هاوانا و مسکو نزدیک شود.

سازمان سیا طی عملیاتی با اسم رمز «فوبلت» به دنبال انجام یک کودتا و تخریب نشان دهنده نقشه‌ها و اقدامات انجام شده برای «بی‌ثبات کردن» اقتصاد شیلی و تحریم و به‌انزوا بردن حکومت آلنده از منظر روابط دیپلماتیک، در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ است.

سرانجام در یازدهم سپتامبر سال ۱۹۷۳، درست در بحبوحه یک بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ژنرال آگوستو پینوشه با کودتایی نظامی دولت سالوادور آلنده را سرنگون کرد.

عاصفة العمى
على آل سعود

نویسنده : mehdiaei

خاصیت تقرب و عدالت و علم، این حق را پیدا می کنند. پس ملاک، انتخاب مردم نیست، انطباق با معیارهای الهی است و با آن انطباق خود به خود حاکم می شود و مانعی نیست که در آن واحد ده ها حاکم شرعی و ولی شرعی وجود داشته باشد. « (پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۵۳)

اما در حکومت اهل سنت مرز حق و باطل با سخنان و نظریاتی غبارآلود، مخلوط شده و تشخیص آن از عهده کسی که در آن محیط مسموم رشد کرده است بر نمی آید؛ در قاموس حکومتی اهل سنت، هم علی حق است هم معاویه و هر کدام از این دو خلیفه رسول خدا هستند و واجب الإطاعة. چون اولی را اجماع خلیفه کرد و دومی را زور و غلبه و می دانید که مبنای مشروعیت حکومت یک حاکم نزد اهل سنت عبارتست از اجماع اهل حل و عقد، زور و غلبه، نصب توسط خلیفه پیشین و رأی و نظر شورا که هیچ کدام از اینها مبنایی در نصوص دینی ندارد و چگونه می توان با این نوع حکومت که خود « حق » نیست در مقابل « باطل » ایستاد؟! چگونه چیزی که خودش حق نیست می تواند مدافع حق باشد؟! چه زیبا فرمود امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۵۰ نهج البلاغه: « اگر باطل از آمیزش با حق خالص می شد راه بر حق جویان پوشیده نمی ماند و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی گشت زبان دشمنان یاهو گو از آن قطع می گشت. ولی پاره ای از حق و پاره ای از باطل فراهم شده و در هم آمیخته می شود در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط می شود و آنان که لطف حق شاملشان شده نجات می یابند. » (ترجمه استاد حسین انصاریان)

بنابراین اضافه شدن حکومتی که جهان بینی توحیدی دارد و با حرکات مختلف خود را در زمره جریان مقاومت قرار داده، آن هم در منطقه غرب آسیا بیش از آنچه که این روزها تصور می شود دارای اهمیت است. عربستان و یمن؛ طوفان قاطع یا طوفان کور کننده؟

هم پیمان بودن سران حکومت های پیشین یمن با عربستان، امروز برای سران فرصت طلب و شکم گنده ی این کشور به پایان رسیده و همین امر موجب برانگیخته شدن احساسات بشر دوستانه آنها برای حمله به یمن شده است؛ یمن اگر با حکومت شیعی اداره بشود قطعاً هیچ گاه زیر بار رابطه و تعامل با آل سعود نخواهد رفت.

پادشاهی آل سعود اعلام کرده است برای برقراری دموکراسی در یمن، به این کشور حمله می کند! جمله ای بسیار مضحک که مرغ پخته را هم به خنده وادار می کند. کشوری که سال هاست رنگ و بوی هیچ انتخاباتی در آن به مشام هیچ کس نرسیده و کوچک ترین اعتراضات به پائین مرتبه ترین شاهزاده های سعودی در آن، موجب ورود به زندان و بروز آزار و اذیت بر علیه افراد معترض می شود به همراه کشورهایی دیگر از جنس خودش، برای برقراری دموکراسی در کشوری که می خواهد دور از هر گونه همکاری و تعامل با شیاطین و مستکبران و تنها در زیر سایه توحید و خداپاوری، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشد اقدام به حمله نظامی به منازل و سکونت گاه های افراد غیرنظامی می نماید! متأسفانه در این بین، شنیده شد که جنبش همیشه معطل و همیشه در آفساید حماس هم به جرگه متحدان آل سعود برای حمله به یمن پیوسته است و لاجرم برای چندمین بار باید گفت که حساب جنبش حماس و فتح و... از مسئله فلسطین و آزادی آن از چنگال صهیونیست های وحشی جداست و این دو (یعنی مسئله فلسطین و جنبش های مختلف مثل حماس و فتح و...) نباید یکی پنداشته شوند و باز هم باید گفت که مسائلی مانند یمن نباید موجب فراموش شدن مسئله ی اول امروز جهان اسلام یعنی فلسطین بشود و اتفاقاً تمام این تلاش ها و سرگرم کردن ملت ها به امور دیگر برای به فراموشی سپردن مسئله فلسطین است.

عاصفة الحزم یا طوفان قاطع و مثلاً کشنده ای که آل سعود بر علیه یمن به راه انداخته است به زودی به « عاصفة العمى » شیعیان یمن بر علیه آل سعود تبدیل شده و چشمان شاهزادگان دائم الخمر سعودی را کور خواهد کرد بعون الله...

مذاکرات هسته ای ایران با گروه ۵+۱ امروز در صدر اخبار داخلی است و تحلیل های مختلفی از چگونگی پیشرفت این مذاکرات و پیش بینی ادامه این موضوع ارائه می شود، اما قطعاً مهم ترین مسئله خارجی حال حاضر برای ایران و مردم آن، موضوع یمن است. گروه سیاسی - مذهبی « انصارالله » با پشتوانه استقلال طلبی مردم انقلابی یمن پس از اینکه در مذاکرات با دولت منصور هادی به نتیجه نرسیدند در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵ کاخ ریاست جمهوری یمن را تصرف کرده و منصور هادی را در حصر خانگی قرار دادند تا اینکه بالاخره او از منصب خود استعفا داده و مجبور به فرار از صنعا و ورود به عدن شد.

پس از مدتی منصور هادی ضمن بیانیه ای اعلام کرد که همچنان رئیس جمهور قانونی کشور می باشد و وظایف ریاست جمهوری خود را از شهر عدن دنبال خواهد کرد. پس از این بیانیه نوعی مخاصمه و درگیری میان گروه های طرفدار وی و مردم انقلابی یمن به وجود آمد. این درگیری ها تا جایی ادامه پیدا کرده که امروز به صحنه ی یک جنگ واقعی و تمام عیار میان حوثی ها و مردم و قبایل مختلف یمن با عربستان و کشورهای همجاری که از او اطاعت می کنند و پادشاه آن را پیشوای واجب الإطاعة مسلمانان می دانند (!) مبدل گشته است. حوثی ها چندین سال پیش از این هم در یمن جنبش هایی به راه انداخته اند که با دخالت نیروهای نظامی و دادن کشته های بسیار، موفق به تغییر سیستم سیاسی و رسیدن به رأس حکومت نشده اند. اما جریان به راه افتاده ی اخیر که نوعاً شبیه به انقلاب است.

موضع ایران در این بین دفاع از شیعیان حوثی و استقلال طلبی ملت انقلابی یمن است که به نظر می رسد نوع نگاه حوثی ها به حکومت اسلامی برگرفته از الگوی پیش روی ایران (حکومت شیعی) باشد.

نوع نگاه شیعیان به حکومت

نوع نگاه شیعیان به حکومت اسلامی و نحوه تعامل آنها با سایر حکومت ها با نوع نگاه اهل سنت تفاوت دارد؛ البته برای ما پیش از شیعه بودن انصارالله، استقلال طلبی و سرنگون شدن حکومت وابسته به استکبار و صهیونیست مهم است. حکومت شیعه، تنها یک حقیقت در عالم هستی می شناسد و آن خداپاوری و زیستن در زیر پرچم توحید و مسیر ترسیم شده توسط پیام آوران الهی و تبعیت از یک حاکم الهی است؛ و هر چه و هر که به دنبال مقابله با این حقیقت باشد را « باطل » خواهد دانست و دشمنی با آن را « جهاد فی سبیل الله ». مبنای مشروعیت حکومت یک حاکم در نزد شیعه به قول شهید مطهری « انطباق با معیارهای الهی است »؛ « ایدئولوژی و وضع قانون بشری جز به وسیله ی خدا میسر نیست، قهراً در مقام اجرا نیز ولایت الهی شرط است و نه افرادی که به دلیل خاصیت طبیعی و موروثی بلکه به دلیل



خطوط قرمز مذاکره
در بیانات امام خامنه ای (مد ظله العالی)

۱ مذاکره صرفاً در قلمبه هسته‌ای است و لا غیر

این مذاکراتی که امروز در جریان است که با دوشنبه اروپایی و با آمریکا مذاکره میکند مذاکراتی با آمریکا صرفاً در قلمبه هسته‌ای است و لا غیر این را همه می‌دانند با آن در مسائل مختلفی که در مسائل داخلی و به فرجه‌های تسلیمات با آمریکا مطلق صحبت و مذاکراتی ندارند مذاکره صرفاً در قلمبه هسته‌ای است و اینکه ما در موضوع هسته‌ای با ریش ادیبان چگونه می‌توانیم به نتیجه برسیم

www.iaa.ir
Shia-Art.ir | AnsArham.ir



خطوط قرمز مذاکره
در بیانات امام خامنه ای (مد ظله العالی)

۲ رفع تحریمها جزو موضوعات مذاکره است! نه نتیجه آن

اینکه آمریکایی‌ها تکرار میکنند که مذاکرات با ایران مستقیم است نگاه میکنند البته اگر به قرارداد عمل کردند تحریمها را برمی‌دارند این حرف حرف فلان و غیر فلان بولبی است این را ما قبول نداریم رفع تحریمها جزو موضوعات مذاکره است نه نتیجه مذاکرات این یک خدعه‌ی آمریکایی است که می‌گوید قرارداد می‌بندیم نگاه نکنیم به رفتارها بعد تحریمها را برمی‌داریم این چیزی نیست رفع تحریمها باید بدون هیچ فاسدکاری در هنگام رسیدن به توافق انجام بگیرد یعنی رفع تحریم جزو توافقی است نه چیزی مترادف بر توافقی

www.iaa.ir
Shia-Art.ir | AnsArham.ir



خطوط قرمز مذاکره
در بیانات امام خامنه ای (مد ظله العالی)

۳ تصمیمات ایران در مذاکرات هسته‌ای بازگشت‌پذیر باشد

آمریکایی‌ها تکرار میکنند که ایران باسیسی فر تصمیم‌هایی که می‌گیرد و چیزهایی که قبول میکند بازگشت‌ناپذیری وجود داشته باشد این را ما قبول نداریم اگر چه طرف مقابل می‌تواند به هر بهانه‌ای باز هم تحریمها را علیه ملت ایران برقرار کند هیچ وجهی ندارد که جهت مذاکراتی ما پایدار و گری‌ناپذیر باشد که این کار بازگشت‌ناپذیر است و همچنین این یک صفت مردم است یک صفت پیوسته است متعلق به مردم است دانش آن و فناوری آن مال مردم است باید پیش برود این بشریت جزو ذات هر صفت و فناوری است

www.iaa.ir
Shia-Art.ir | AnsArham.ir

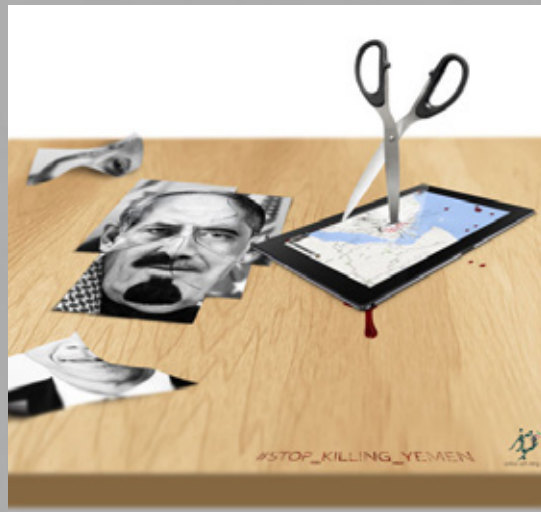


خطوط قرمز مذاکره
در بیانات امام خامنه ای (مد ظله العالی)

۴ توافق نباید دو مرحله ای باشد جزئیات و کلیات در یک جلسه

این حرفی هو که می‌گویند که در یک برهه‌ای قراردادی اصول کلی توافق نباید بعد قراردادی جزئیات این را هم بنده نمی‌شناسم با تحریماتی که از رفتارهای طرف مقابل داریم احساس میکنم که این وسایلی خواهد شد برای پناه گری‌های تفریبی بروس جزئیات اگر توافق میکند جزئیات و کلیات و همه را در یک جلسه باید تمام میکند اصلاً کند اینکه کلیات را جداگانه توافق کند و بعد بر اساس آن کلیات که یک جزئیات مهمی است تصمیم‌گیری است تحلیل‌پذیر است برون سریع جزئیات نه این منطقی نیست

www.iaa.ir
Shia-Art.ir | AnsArham.ir



سیزده بدر شنه سوری چهار سوری از دیدگاه اسلام

ارسال شده توسط: hghit

تهران معلومات می داشت، به شکل دیگری به نحوست ۱۳ رسمیت می داد و به شکل دیگری از آن فرار می کرد؛ پلاکهایی که روی خانه ها و مغازه ها می زند، نمی نویسد زیاده، می نویسد: «۱۲+۱» یا «۱۱+۲» و یا «۱-۱۴» مبادا اگر رقم ۱۳ در اینجا باشد خدا نخواستہ کارهای شهرداری از این نظم بسیار بسیار اساسی که دارد- که امروز خیابان را آسفالت می کند فردا می آید شکمش را پاره می کند و دل و روده اش را بیرون می آورد- خارج شود.

ممکن است شما بگویید الحمدلله ما که معذب نیستیم، پس ما در هیچ روز نحسی قرار نگرفته ایم؛ اتفاقاً ما الآن باید بفهمیم تمام روزهای ما نحس است؛ روز اول فروردین ما هم نحس است؛ چون ما به نص قرآن مجید مردم معذبی هستیم، مردمی هستیم که خودمان به جان یکدیگر افتاده ایم. ما تمام ملل مسلمان، امروز در ایام نحسات بسر می بریم. آن عذاب الهی که می بینید، مظهر اعلایش اسرائیل است، چرا؟ اعمال خودمان. ما که قرنهای جز در راه جدایی و دشمنی و تحریک اعصاب علیه یکدیگر قدم برداشته ایم طبیعی است که دشمن مسلط شود. ما اگر بخواهیم از این نحس خارج شویم چه باید بکنیم؟ آیا برویم بیرون شهر، سبزه ها را گره بزیم تا از نحسی خارج شویم؟! یا سمنو پختن از نحسی خارج می شویم؟! با سبزه را در روز سیزده از خانه بیرون ریختن از نحسی خارج می شویم؟! بیچاره! چرا خانه ات را در این روزها می کنی و می روی به الدنگی؟! از خودت بیرون بیا، از این رفتار زشت خودت بیرون بیا، از این عادات زشت بیرون بیا، از این افکار زشت خودت خارج

بحث ما درباره ی «دفاع از ۱۳» است، این عددی که بدون ارتکاب هیچ جرم و جنایتی و بدون هیچ سابقه ی سوئی، این بشر ظالم ستمگر و این بشر جهول ظلوم- به تعبیر قرآن - او را محکوم کرده و برای او نحوست و شثامت قائل شده است و گناهان و جرمها و جنایات و تبعات و آثار سوئی که این گناهان و جرمها و جنایات دارد که تمام اینها را خود بشر مرتکب شده است، همه را- زیرکانه یا احمقانه- از دوش خودش برداشته است و به دوش چیزهای دیگری که آنها را نحسها و شومها نامیده، گذاشته است. و در میان همه ی اشیائی که بشر برای آنها شثامت و نحوست قائل

است اعداد سهم بیشتری دارند، حال روی چه حسابی، چه عرض کنم، ولی در مجموع بشر در این مسئله بیشتر پایچ اعداد شده است و در میان اعداد هم از همه- به اصطلاح- مظلومتر و بیچاره تر و توسری خورتر عدد ۱۳ بوده است. حال چطور شده است که این عدد این طور توسری خور از کار درآمده است، باید جامعه شناسان، تاریخ شناسان، آنتهایی که در تاریخ فکر بشر و تاریخ اقوام مطالعه دارند این را به دست بدهند و برای ما بیان کنند که چرا اولاً عدد از هر شیء دیگر بیشتر مورد این هجوم بشر واقع شده است، و ثانیاً چرا در میان عددها عدد ۱۳ از اعداد دیگر توسری خورتر از آب درآمد است؟

ما سابقاً خیال می کردیم که این امر اختصاص به ملت ما یا ملتهای ما دارد؛ بعد اطلاع پیدا کردیم که ملتهای به اصطلاح پیشرفته- یعنی اروپاییها و آمریکاییها- صد درجه بیشتر از ما به این عدد تهاجم کرده اند. در میان ما من ندیده ام جز اینکه ۱۳ صفر یا ۱۳ فروردین و احياناً سیزدهم هر ماه را، یعنی این روزهای معین را، مورد حمله و هجوم قرار بدهند و منحوس بشمارند و کم در مورد دیگر دیده ام؛ همین قدر یادم هست که من بچه بودم، در فریمان خودمان که به يك معنا قصبه و ده است و محل زراعتی است، سر خرمن که می رفتیم، سالارها وقتی خرمن می کشیدند يك آداب و تشریفاتی قائل بودند برای اینکه خرمن برکت پیدا کند.

یکی از آن آداب و تشریفات این بود که وقتی پیمانها را پر می کرد، به ۱۳ که می رسید، برای اینکه مبادا نحوست ۱۳ برکت را از این خرمن بگیرد، نمی گفت ۱۳، می گفت زیاده. بعد می گفت ۱۴. می رسید اگر ۱۳ بگوید برکت از خرمن گرفته شود.

البته يك دهاتی بی سواد بیش از این فکرش نمی رسد، بخواهد خودش را از چنگال ۱۳ فرار بدهد کلمه ی سیزده را تبدیل می کند به زیاده، با اینکه رابطه ای میان ۱۳ و زیاده نیست. اما اگر تحصیل کرده می بود و تحصیلات عالی را طی کرده بود، اگر در حد شهرداری

شو، از این ملکات کثیف و پلیدی که گرفتارش هستی خارج شو. آیا تو با آن کارها از نحوست بیرون می آیی؟! ۱۳! چه گناهی دارد؟ خانه و زندگیت چه گناهی دارد؟ از سمنو چه کاری ساخته است؟! از سبزه گره زدن چه کاری ساخته است؟! به خدا ننگ این مردم است که روز سیزده را به عنوان سیزده بدر [بیرون] می روند؟ من نمی فهمم آنهایی که اسم تنویر افکار و پرورش افکار روی کار خودشان می گذارند چرا يك کلمه نمی گویند. بعضی برعکس، ترویج و تشویق می کنند!

قرآن کریم این مسئله را به شکل عجیبی طرح می کند. اولاً به اقوام مختلفی نسبت می دهد؛ به آل فرعون، به مردم عاد و به مردم انطاکیه، که اینها در مقابل دعوت رسل اظهار تطیر می کردند یعنی فال بد می زدند و قرآن کریم در آیات زیادی با کمال صراحت این مطلب را می گوید که منشأ فال بد، هر شومی و نحوستی که وجود دارد، خارج از وجود خود بشر نیست؛ یعنی بشر ممکن است فکر و عقیده اش فکر و عقیده ی شومی باشد؛ وقتی که فکر و عقیده اش سراسر خرافه و جهالت است، شومی در جهالت است. شومی جز در اخلاق فاسد در جای دیگری نیست. شومی جز در اعمال پلید در چیز دیگری نیست.

از نظر سعادت بشری، اگر بخواهیم حساب کنیم چه کشفی بزرگترین کشفها در دنیاست، من خیال می کنم بزرگترین کشفی که در دنیا به حال بشر مفید و سعادتمند است و بسیار عمیق و ارزنده است ولی بشر کمتر می خواهد زیر بار آن برود این کشف است: دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ ای بشر! دردت از خودت برمی خیزد، منشأ بدبختی تو خودت هستی نه چیز دیگر، سرنوشت شوم را خودت به دست خودت برای خودت به وجود می آوری، سرنوشت شوم تو به دست دیگری نیست. و همچنین تبدیل سرنوشت هم جز به دست خود نیست؛ چاره ی این شومی و این سرنوشت بد هم در وجود خود توست. وَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَلْمَنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشورا.

پیغمبر اکرم در کمال صراحت فرمود: رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي الطَّيْرَةُ در امت من تطیر و فال بد وجود ندارد. خود پیغمبر اکرم اشیاء را به فال نیک می گرفت و هرگز فال بد نمی زد و از فال بد منع می کرد. فرمود: إِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمْضِ وَ إِذَا حَسَدْتَ فَلَاتَبْغِ هر وقت به دلت بد آمد، با آمدن چیزی دلت چرکین شد و تطیر زدی، اعتنا نکن، مخصوصاً برو. باز فرمود: لِاتْعَادُوا الْأَيَّامَ فَيُعَادِيكُمْ بِأَيَّامٍ وَ رُوزگارها اعلام دشمنی نکند که آنگاه آنها دشمن شما می شوند.

امام صادق فرمود: تطیر چیزی است که اگر سخت بگیری بر تو سخت می گیرد، چون وقتی سخت می گیری خودت هستی که بر خودت سخت می گیری، و اگر سست بگیری بر تو سست می گیرد؛ اگر اعتنا نکنی می بینی چیزی نبوده است. خیلی جمله ی عجیبی است!

به هر حال مسئله ی تطیر و فال بد زدن مسئله ای است که در اسلام

به هر نام و عنوانی محکوم است و چنین چیزی وجود ندارد. در سراسر تعلیمات اصیل اسلامی شما کلمه ای در این موضوع پیدا نمی کنید. ما کلمه ی نحس و یوم نحس را در دو جای قرآن داریم. خیلی جالب است؛ هر دو جا هم درباره ی قوم عاد است پس از نزول عذاب بر آنها. إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ (یا: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ). کلمه ی «نحس» در این آیه را مفسرین دو جور معنی کرده اند؛ یکی اینکه مقصود این است که روز سرد و پر باد و غباری بوده است؛ چون روز سرد و پر باد و غباری بوده است قرآن «نحس» گفته است، زیرا کلمه ی نحس جز سختی و شدت یا ترسناک و وحشتناک بودن مفهوم اصلی دیگری ندارد. بعضی گفته اند (این به نظر من جالبتر است) مقصود این است که در يك روز شومی [چنین کردیم]. [خود قرآن در کمال صراحت اعلام می کند این مردم معذب شدند، چرا معذب شدند؟ به خاطر اعمال و افکارشان، به خاطر طغیانهایشان در مقابل امر الهی. آن روزی که مردم آن سرنوشت محتوم را از عمل خودشان پیدا می کنند و دچار نکبت و بدبختی می شوند، قرآن آن روز را روز نحس می داند. آن روز، دیگر نه چهارشنبه است نه پنجشنبه، نه جمعه، نه شنبه. . . و نه اول نه دوم نه سیزده. . . هر روزی که مردمی به کیفر اعمال خودشان گرفتار شدند و در عقوبت اعمال خودشان دست و پا زدند، بدانند در روز نحسی گرفتارند. خود قرآن توضیح می دهد: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ قَوْكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْسَنَكُمْ شَيْعًا. ما چند روایت داریم که مربوط به زمان حضرت هادی است چون عصر ایشان بیشتر عصری بوده است که نجوم احکامی آمده است و این حرفها را سؤال می کرده اند. احمد دَقَاقِ بَغْدَادِی گفت: «كَتَبْتُ أَلِي أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لِأَيِّدُورُ» از امام هادی از چهارشنبه ی آخر ماه [۱] (یا سال) سؤال کردم.

فَكَتَبَ: مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لِأَيِّدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْرَةِ وَقَتِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَوْفِي مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ. فرمود هرکسی که به رغم مردمی که این جور فکر می کنند و فال بد می زنند مخصوصاً روز چهارشنبه ی آخر ماه (یا آخر سال) بیرون برود یعنی به خدا توکل کند، خداوند در ازای این توکل و این مخالفت با اهل تطیر، او را از هر آفت و بیماری حفظ می کند.

در روایت بالا، عبارت «لایدور» یعنی چهارشنبه ای که بر نمی گردد. الآن بر من مجهول است که چهارشنبه ی آخر ماه است یا آخر سال. اگر چهارشنبه ی آخر سال بگیریم و سال را سال شمسی بگیریم برای ما ایرانیها خیلی عجیب است. واقعاً عجیب است: چهارشنبه ی آخر سال شمسی که می شود حتی در محیطهای عالی فرهنگی ما آتش روشن می کنند، از روی آتش می پرند، می گویند: «سرخ تو از من، زردی من از تو». من نمی دانم ما چقدر می خواهیم اصرار روی حماقتهای خودمان داشته باشیم؟!

برگرفته از «پانزده گفتار شهید مطهری»

حسن نوفلاح



ارسال شده توسط: mamitavanim92

آخر کار را اهمیت دهید و زبان دنیا را به چیزی ن شمارید و کاری که رضا و خشنودی خداست به هر کاری که هوای نفس و قهر و خشم خداست مقدم شمارید و برای رضای خدا و خلاف هوای نفس کوشید. همیشه در تعارض حق و باطل طرفدار حق و مخالف باطل باشید و بدانید که خدا از ضعیف ترین مرتبه ما را به عزت و قدرت میرساند و از خدا بخواهیم و بکوشیم که با یاری او قوه و قوت خود را به راه اطلاعات و بندگی و معرفتش صرف کنیم نه راه عصیان و ظلم به خلق خدا تا در نتیجه به پاداش نیک و سعادت و بهشت ابدی نائل شویم انشاء الله .

از خدا طلب کنیم که با رحمت خود رفتار کند نه با عدل خود بدانید که هیچ دری جزء درگاه رحمت خدا بر روی خلق باز نیست و ای شما منافقین کور دل که دل امیر مومنان علی (ع) را شکستید و یاران امام خمینی را از ما گرفتید شما از این بارسفر چیزی جزء خفت و خواری با خود حمل نمی کنید و بدانید که دل رنج کشیده مادران شهید داده و خواهران برادرز دست داده همیشه بر شما لعنت و نفرین خواهد فرستاد.

و ای سالار شهیدان حسین بن علی (ع) خیلی دوست داشتم که به زیارت قبرش گوشه ات می آمدم و خاک کربلا را مرحم دردهایم می کردم ولی پروردگار مرا به پیش خود فراخوانده و امیدوارم که زیارت دیدن خودت در آن دنیا نصیبم گردد. مهدی جان (عج) چقدر دعا کردم که آن روی ماهت را ببینم و امیدوارم که آخرین لحظات عمرم آن رویت که می شود آن را به چیزی تشبیه کرد ببینم آقا جان شفیع و واسطه باش میان ما و خدا.

شهید حسن نوفلاح (کاپیتان تیم ملی واترپولی جوانان ایران و عضو تیم ملی واترپولی بزرگسالان ایران)

آنکس که تورا شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خا مان را چه کند
دیوانه کنی هردو جهانش بخشی
دیوانه تو هردو جهان را چه کن

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة
يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون... و ذلك هو الفوز
العظيم
(توبه ۱۱۱)

همانا خداوند جان و مال مومنین را به بهای بهشت از ایشان خریداری نموده که در راه خدا جهاد می کنند سپس می کشند و خود کشته میشوند.... و این سعادت پیروزی عظیمی است.

ای امت مسلمان ایران به درگاه احدیت دست بلند کرده و از خدای بخواهید که از عمر ما کم کرده و به لحظه لحظه های عمر این خورشید تابان و این پیرجماران و رهبر عزیزمان امام خمینی بیفزاید و از خدا بخواهید که زبان را از دین ما رفع کند و بر دنیای ما مقررگرداند که زبان دنیا از بین رفتنی است و چندان مهم نیست زیرا زبان آخرت طولانی و باقی است .
خدا بخواهید که ضرر اخروی بر شما وارد نیابد هرچند به دنیایتان ضرر و زیان فاحشی رسد و مالتان و خانواده تان همه از بین برود بازهم به شکر گزاری خدا مشغول شوید و خلاصه



خاکپاش افلاک

ارسال شده توسط: salam110

عملیات بیت المقدس بدجوری مجروح شد ، ترکش خورده بود به سرش ،
با اصرار بردیمش اورژانس، میگفت: کسی نفهمه زخمی شدم ، همین جا
مداوام کنید

دکتر اومد گفت: زخمش عمیقه باید بخیه بشه ، بستیش کردند . از بس
خونریزی داشت بی هوش شد ، یه مدت گذشت . یه دفعه از جا پرید.
گفت: پاشو بریم خط ...

قسمش دادم گفتم: آخه تو که بیهوش بودی، چی شد یهو از جا پریدی ؟
گفت: بهت میگم به شرطی که تا وقتی زنده ام به کسی چیزی نگی،
وقتی توی اتاق خوابیده بودم، دیدم خانم فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اومدند
داخل؛ فرمودند: چیه ؟ چرا خوابیدی ؟
گفتم: سرم مجروح شده نمیتونم ادامه بدم
حضرت دستی به سرم کشیدند و فرمودند:
بلند شو بلند شو، چیزی نیست، بلند شو برو به کارهایت برس.

منبع :

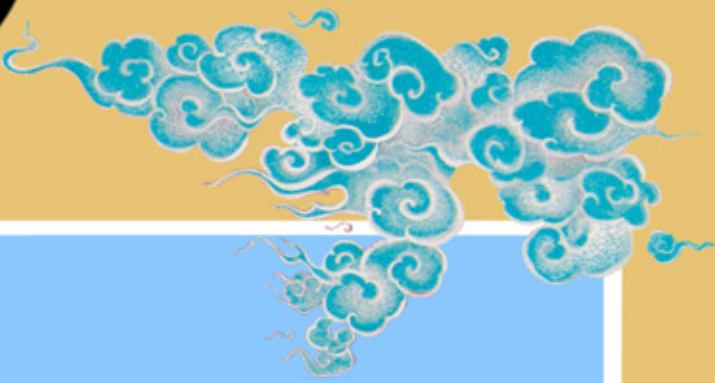
خط عاشقی، آقای خانزاد همرزم سردار شهید حاج احمد کاظمی





صلوات

نویسنده: matinemami



که نخبگان آن جامعه باید درباره آن بحث و تبادل نظر کنند که به ثمر رسیدن هر کدام نتایج خاصی بر نحوه حکومت دارد.

بی‌شک تبیین و تدوین اصولی که گفته شد برای جمهوری اسلامی ایران که داعیه دار ایجاد تمدن و فرهنگ انقلابی است، مسئله‌ای صرفاً داخلی و ملی نبود و اندیشمندان مسلمان بسیاری نسبت به آن احساس تعلق می‌کردند و برای تدوین بهتر و تطابق کامل آن با موازین شرعی، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. در این میان، نقش شهید آیه‌الله صدر و تلاش‌های او در این زمینه کاملاً ممتاز است. آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر از جمله افرادی است که تأثیر آراء و اندیشه‌هایش بر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران انکار ناپذیر است. با مطالعه افکار شهید صدر پی می‌بریم که ایشان همواره در پی قانونمند نمودن جنبه‌های گوناگون جامعه اسلامی بر پایه دین مبین اسلام بود. ایشان در کتب مختلف مانند فدک فی التاريخ، که در بیست و چهار سالگی نگاشته شد، یا کتاب اقتصادنا، اصول حکومت در اسلام را تبیین کرد. که متأسفانه این نظریات از دید محققان و اندیشمندان ایرانی دور مانده و در غالب کتب و دروس حقوق و مبان‌ی حکومت اسلامی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، حتی نامی از شهید صدر برده نشده است! اما در مقابل، پژوهشگران خارجی بسیاری به این مسئله پرداخته‌اند و با بررسی نظریات ایشان، مباحث مهمی را مطرح و تفکراتی را تغییر داده‌اند.

در زمانی که قرار شد قانون اساسی تدوین و تصویب شود، دولت موقت پیش‌نویس ارائه کرد که مخالفت فقها و حضرت امام (ره) را برانگیخت. پیش‌نویس با ماهیت غربی بدون لحاظ اسلام، که در آن نهادی به عنوان رهبری وجود نداشت و رئیس‌جمهور مقام اول کشور بود که غیر اسلامی بودن این پیش‌نویس حتی موجب اعتراض دانشمندان و علمای مسلمانان دیگر کشورها از جمله مصر و لبنان شد (۳). دولت موقت برای تصویب آن، از هیچ تهدیدی، حتی تهدید به انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی، دریغ نکرد.

امام راحل (ره) با دعوت از علما، از آنان خواست بدون توجه به پیش‌نویس دولت موقت، خودشان طرح ارائه کنند. در این زمان بود که رساله لمحة فقهية تمهيدية عن مشروع دستور الجمهورية الاسلامية فی ایران یا همان پاسخ به علمای لبنان را با عنوان طرح پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی به محضر ایشان تقدیم شد. طرحی که، تنها پیش‌نویس و تنها رقیب پیش‌نویس ملی مذهبی‌ها بود. شهید بهشتی و دیگر یاران امام (ره) با همین طرح، توانستند دولت

روزی جمعی از علمای لبنان درباره ماهیت جمهوری انقلاب اسلامی ایران، از آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر (ره) سوال کردند که: با توجه به اینکه در همه اقطار اسلامی، آن جناب را به مهارت و چیرگی در فقه و تجر در شاخه‌های مختلف معارف اسلامی می‌شناسند و به تسلط کافی شما بر مکتب‌ها و افکار روز آگاهی دارند، امیدواریم با روشن کردن این مسئله ما را بهره‌مند ساخته و بیان فرمایید؛ جمهوری اسلامی بر چه پایه فکری استوار است؟ (۱) شهید صدر پاسخی نوشت که آن پاسخ رساله‌ای شد (۲) که بخش اول مجموعه «الاسلام يقود الحياه» را تشکیل داد. پاسخی که شاید کسی نمی‌دانست روزی مبدا و مبناء اصول حکومتی انقلاب نوپای ایران شود.

انقلاب شد. انقلابی که معیارها و تئوری‌های ارائه شده در زمینه انقلاب را زیر سؤال برد. انقلابی که با ذات و شاکله دینی و فرهنگی خود به ثمر نشست. انقلابی که پیش‌گویی و تئوری مارکس را تحت تأثیر خود قرار داد که با فروپاشی کمونیسم عملاً، خلاف آن نیز، به اثبات رسید. آنچه که امروزه از انقلاب استنباط می‌شود، پدیده‌ای صرفاً سیاسی است که فقط با نخبگان یا سیاستمداران در ارتباط است و بعد از به ثمر نشستن توده مردم را با خود درگیر می‌کند، ولی اهمیت انقلاب اسلامی ایران از آن جهت است که حاصل ارتباط نخبگان جامعه با مردم است.

قصد پرداختن به همه تحول و دگرگونی‌های انقلاب‌ها نیست؛ اما به طور کلی برای ریشه‌یابی تغییرات در مبان‌ی و مفاهیم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مطالعه اندیشه بزرگانی که آرائشان در آن تحول‌ها مؤثر بوده پیشنهاد می‌شود. چون در هر انقلاب تبیین اصول حق حاکمیت، آزادی، قانون‌گذاری، اقتصاد و ارکان حکومت (ملت، رهبری و مجریان کشوری) از اهم مواردی است



موقت را ناکام گذارند که شباهت مبنایی این رساله با پیش‌نویس ارائه شده از سوی شهید بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی و قانون اساسی مصوب نشان از تأثیر مهم و حیاتی آن دارد. مانند ماده ۴ طرح، که درباره رهبری است. ایشان رهبری را یکی از ارکان بنیادی حکومت اسلامی می‌داند که حاکمیت خود را هم از ناحیه شرع و هم از انتخاب مردم به دست آورده است و مشروعیت و مقبولیت را توأماً داراست. ایشان همچنین چهار ویژگی «علم، عدالت، آگاهی سیاسی (الوعی علی‌الواقع القائم) و کفایت و شایستگی»، کفایت و شایستگی که از چهار عنصر «حکمت، تعقل و درایت، صبر، و شجاعت» تشکیل می‌شود را از مشخصات رهبر و رهنمای حکومت اسلامی می‌داند که مطابق بند ۱ اصل ۱۰۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ است. هرایر دکمچیان، از استادان دانشگاه‌های آمریکا گفته است: نقش نسبتاً ناشناخته صدر به عنوان یکی از پدرخوانده‌های فکری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهمیت بسیاری دارد. در واقع، شواهد حاکی از آن است که این آیه‌الله، کمک عمده‌ای به چهارچوب ایدئولوژیک نظام اسلامی ایران کرده است. (۴)

با توجه به آنچه گفته شد، درک و فهم صحیح از اصول حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه اصول راجع به حق حاکمیت، آزادی، قانون‌گذاری و اقتصاد مستلزم آگاهی از اندیشه سیاسی شهید صدر است؛ همان‌گونه که برای درک عمیق قوانین و مفاهیم آزادی، قانون‌گذاری، اقتصاد و ... مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، مطالعه آثار و افکار پیش‌گامان این نهضت همچون روسو و مونتسکیو ضروری است.

(۱) سیدمحمد غروی، شیخ علی طحینی، شیخ حسن حریری، شیخ محمدجعفر شمس‌الدین، شیخ راغب حرب
(۲) رساله‌ی: لمحة فقهية تمهيدية عن مشروع دستور الجمهورية الإسلامية فی ایران

(۳) علی معموری، نظریه سیاسی شهید صدر.

(۴) هرایر دکمچیان، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب



انتهی

گردآورنده: hamase



علامه شهید، سید محمد باقر صدر، یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی مغز متفکر اسلامی در تاریخ اسلام است. فقهی جامع الشرائط، فیلسوفی اجتماعی، مفسر بزرگ، متفکری آگاه به فرهنگ و علوم زمانش نویسنده ای توانمند و پر کار و سیاستمداری هوشمند و شجاع و دردمند.

سید محمد باقر صدر در ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود. اجدادش از شجره پر برکت خاندان صدر و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم - علیه السلام - بوده‌اند. برادر بزرگ و معلمش سید اسماعیل نیز از علما و مجتهدان پر تلاش و جوان نجف بود که در سال ۱۳۸۸ ق. در چهل و هشت سالگی درگذشت.

تحصیلات:

در دوازده سالگی، به نجف اشرف رفت تا در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه، به تحصیلات عالی بپردازد. او دوره عالی فقه و اصول را در نزد آیات عظام خویی و آل‌یاسین گذراند. فلسفه اسلامی اسفار ملاصدرا را از مرحوم شیخ صدرا یادگوبه ای آموخت. و در کنار آن، طی سالها، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقت مورد تحقیق و نقد قرار داد. کتاب فلسفتنا (فلسفه ما) گویای ابعاد گسترده اندیشه های فلسفی ایشان است.

آثارشان، همه علمی، تحقیقی، ابتکاری، کم نظیر و مورد استفاده و مراجعه اندیشمندان و مصداق روشن باقیات صالحات است:

- ۱- فدک فی التاریخ فدک در تاریخ.
- ۲- غایة الفکر فی علم الاصول.
- ۳- فلسفتنا فلسفه ما.
- ۴- اقتصادنا اقتصاد ما.
- ۵- الاسس المنطقیه للاستقراء.

فعالیت های سیاسی:

بعضی از عالمان آگاه از جمله شهید سید محمد مهدی حکیم، سید طالب رفاعی، شیخ مهدی سماوی، پس از مطالعه اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق، به این نتیجه رسیده بودند که باید حزبی را مبتنی بر اندیشه اسلامی تأسیس کنند تا بتوانند مبارزات مسلمانان آن سامان را سر و سامان بدهند و به اهداف خود نائل آیند. پس از مطرح کردن این اندیشه با آیت الله صدر، «حزب الدعوة الاسلامیت» را در سال ۱۳۷۷ تأسیس کردند.

سید محمد باقر صدر، نهضت امام خمینی در ایران را روزنه امیدی برای نجات امت اسلامی می‌دانست. بنابراین از آغاز نهضت اسلامی امام در سال ۱۳۴۲ ش آن را تحت نظر داشت و از امام و حرکتش حمایت می‌کرد.

شهادت:

روز ۱۸ رجب ۱۳۹۹، خانه آیت الله صدر و کوچه‌های اطراف آن از اول صبح تا پاسی از شب، مملو از جمعیتی بود که دیروز برای آزادی رهبرشان دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده بودند و آمده بودند تا بار دیگر با او بیعت کنند.

رژیم صدام، از تجدید پیمان امت مسلمان عراق با مرجع و رهبرشان، به وحشت افتاد و برای قطع رابطه مردم با ایشان، نیروهای امنیتی را

در اطراف منزل، مستقر کردند. بدین گونه محاصره نه ماهه آغاز شد. در مدت نه ماه محاصره، رژیم با فرستادن مزدوران خود، سعی کرد و را از راهی که در پیش گرفته، منصرف کند، ولی آیت الله صدر ثابت و استوار ایستاد و همچنان از انقلاب اسلامی ایران و امام و مردم انقلابی ایران حمایت کرد و هرگز به خواسته‌های رژیم خونخوار صدام، گردن ننهاد. تا اینکه در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۶ فروردین ۱۳۵۹)، «ابو سعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده ای از مزدوران امنیتی، ایشان را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. آیت الله صدر این بار می‌دانست که دیگر بر نخواهد گشت، چون وقتی ابو سعید جنایتکار گفت: «آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت: من خیلی وقت است که آماده شهادتم.

فردای آن روز، حکومت بغداد، اقدام به دستگیری بنت الهدی کرد چون بیم داشت مبدا بنت الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت کند و رژیم را رسوا نماید!

برزان ابراهیم، برادر صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد، تا آزاد شود، و گر نه کشته خواهد شد!

آیت الله صدر این خواسته را رد کرد و گفت: من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم.

وقتی که از منصرف کردن آیت الله صدر و خواهرش مایوس شدند، آن دو را در روز سه شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ زیر شکنجه به شهادت رساندند. جنازه آن دو شهید در جوار مرقد امام علی (علیه السلام)، به خاک سپرده شد.

امام خمینی، در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانه آن دو شهید داد، سوگمنده نوشت:

...مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و همسیره مکرمه مظلومه او که معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیعه شهادت رسیده‌اند. شهادت اثری است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده‌اند ...



شبیهِ بانوی بنه اسرائیل

ایران را ایران باید بسازد

تبعیض



بهار باران

من نگرانم

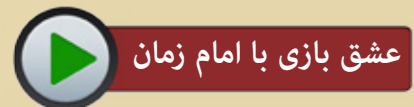
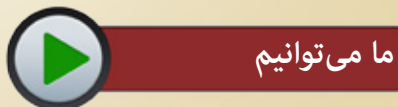
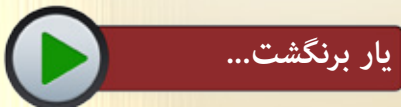
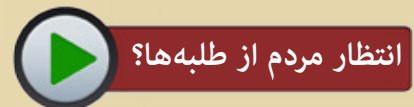
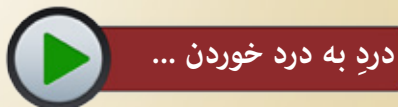
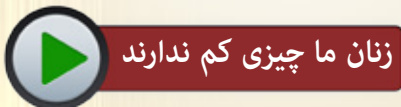
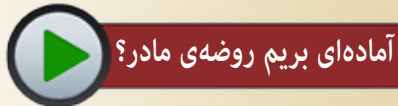
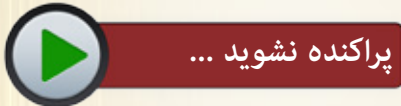
حکایت سنگ درجه



وقت های مرده

نماز اول وقت

گریه آقا



نویسنده: محمد رحیمی پویا
ارسال شده به مسابقه طنز رفع حصر

امتحان رفع حصر علی مطهری

اواخر دیدار مقابل عراق و در نتیجه خطاب به آن‌ها.
(د) یاد بنجامین ویلیامز افتادم .. «خبر مرگش» با اون داوریش!

۵. در طول نطق، آقای ابوترابی چند بار و چرا عبارت «اجازه بفرمایید» را به کار بردند؟

(الف) ۲۰ بار - زیرا ایشان بسیار مودب اند.

(ب) ۲۸ بار - زیرا بعضی‌ها نامودب اند و اجازه نمی‌فرمودند.

(ج) ۳۲ بار - احتمال دارد نطق مطهری روی ایشان اثر گذاشته و با این عبارت در حال کسب اجازه از نمایندگان برای رفع حصر بودند!

(د) ۴۰ بار - زیرا ایشان از آن بالا قصد داشت با انجام حرکتی دفع شر کند، که متأسفانه نمایندگان از پایین اجازه نمی‌دادند.

۶. در کل به نظر شما هدف مطهری از این نطق چه بود؟

(الف) رفع کامل حصر، رفع مشکلات کشور، تامین معاش مردم، جلوگیری از رانت و در نهایت برقراری عدالت مد نظر!

(ب) گفتن جمله‌ی «جون من حرکتو داشتی؟!» همراه با چشمکی ملیح به زیبا کلام در همان شب.

(ج) یادآوری آرمانهای پدر با استفاده از علم ریاضیات به ویژه برهان خلف.

(د) افزایش تعداد لایک‌ها و متعاقباً کامنت‌های >۳ در برخی صفحات مجازی همچون: خیزش مبارزان خسته‌ی آزادی، وطن پرستان بی‌مرز، آزادی‌های لواشکی، و الی آخر...

۱. بر اساس سخنان دکتر مطهری، «تبل تفرقه» در حال حاضر کجا و یا دست چه کسانی است؟

(الف) در صدا و سیما است و بعضاً در دیگر رسانه‌ها نیز دست به دست می‌شود.

(ب) میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی سمت راست. همانجا که دائماً موسیقی و بزن و بکوب براه است)

(ج) دست یکی از اهالی روستای سلخ در مراسم شوشی! (توضیحات این مراسم در گوگل یافت می‌شود!)

(د) «خبر مرگش»! معلوم نیست کجاست.

۲. در دیدگاه مطهری کوچک، روز ۹ دی مظهر چه چیزی است؟

(الف) مظهر تفرقه میان ملت

(ب) مظهر ملت میان تفرقه

(ج) مظهر یادآوری به اصلاح طلبان و برخی اصولگرایان در مورد اهمیت شهرت و شاید رفع حصر.

(د) مظهر پایان فتنه که انشالله تموم شه «خبر مرگش»!

۳. مطهری: «اینجانب حصر خانگی آقایان موسوی و کروبی و خانم رهنورد را پس از پایان آشوبهای خیابانی بدون حکم قضایی همچنان،

خلاف اصول متعدد قانون اساسی...»

(الف) میدانم.

(ب) می‌دانم.

(ج) را دوست دارم.

(د) یادت نره سبزی خوردن و روغن بگیری سر راهت!

۴. در حین بالا گرفتن اعتراض نمایندگان مجلس، مقصود مطهری از عبارت «تشکر..تشکر» چه بود؟

(الف) قدردانی از همکاران بخاطر شهرت تازه.

(ب) خطاب به نیروی انتظامی بخاطر عدم دخالت در درگیری‌ها.

(ج) پیش بینی بازی خوب بچه‌های تیم ملی فوتبال بخصوص در





می‌گردیم کاش انقلاب

نویسنده: ۱۴۱۴ zinat

که اگر نظام فرهنگی همه مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند و با ارائه الگویی مناسب این سیستم را در تمام ابعاد بسط ندهد عواملی به اقتضای شرایط نقش پدیده‌های فرهنگی را بازی میکنند و هدایت عمومی جامعه را به سمت و سوی خود میکشاند.

قصه! روزگار گذشت و غیدانم شاید هم ریزعلی‌ها از خیر انقلاب فرهنگی گذشتند! فقط میدانم مخاطب عام کلا بیخیال چوپان‌های دروغگو شده!

و در واقع قطاری که هست و ریزعلی که دیگر پیراهن که هیچ! یک کبریت هم به آتش فیکشد!

ریزعلی نیست از آن جهت که وزارت فرهنگیمان! تمام امور خود را بر مبنای تغییر و تدبیر و امید پایه گذاشته! و خود را بسی خرسند و جیب‌هایشان را پر دینار و درهم کرده با اموری از حیث اعلای

فرهنگی خانه‌های سینمایی حائز فضای بسا دینی_ فرهنگی! و ایضا! بازگشایی مجدد خانه موسیقایی برای شادی و طرب جوانان دیار در جهت بازگشت سرمایه‌های ملی مان! که سالها در آن طرف آبها رنج غم غربت میکشیدند ...

و خدا خیرشان دهد که سرمایه‌هایمان را بازگرداندند به گنجینه فرهنگ و هنرمان!

در حین تنفس در این هوای فرهنگی بودیم که همایش‌های رقص باله کودکان و کنسرت خوانندگان زن نیز

برگزار شد و چندی بعد آلبومشان روانه بازار گردید و آنجا بود که راه نفسمان باز شد و دانستیم «منورالفکر» بودن مسئولین فرهنگی مان یعنی چه؟!

تازه راه نفسمان آنجایی بازتر شد که ممیزی کتابها کامل رد شد تا هر چه دل تنگ جنابانشان میخواهد بگویند! بی هیچ رسیدگی متحجران بی سواد!

در طرب و شادی گذران عمر میکردیم که خبر فیلم‌های سینمایی را هم برای شبکه خانگی آوردند و عجب فیلم‌هایی!

دمشان گرم! فرهنگ ایرانی اسلامی را به گونه‌ای به تصویر کشیده بودند که تماما «متوجه نگاه آن طرفی‌ها به دین و ایران نیز گشتیم و دعا برای پایداری تدبیر نمودیم، هرچند برخی بی سواد و متحجر ادعا کنند که این‌ها بی فرهنگی است اما اصلا «بروند به جهنم وعده داده شده!

وراستی اگر رخنه‌ای در فرهنگ ایجاد شود به مثابه مشکل اقتصادی نیست که با سبد کالا و یارانه نقدی رفع شود!

در باز شد، برپا_برجا!
بلافاصله معلم بر روی تخته نگاشت
درس اول: الف مثل آب
و ما همه یکصدا گفتیم: بابا آب داد!

در میان آن همه‌ها یادم آید کسی به ناگاه فریاد برآورد
الف مثل انقلاب ... معلم سرش را پایین انداخت و گفت: آری راست
میگوید اما «کاش انقلاب می‌کردیم!»

از آن روزها خیلی گذشته، درس‌ها را یکی یکی خواندیم و دانستیم
«اکرم و امین» چقدر سیب در سبد مهربانیشان داشتند و کوکب
خانم چقدر مهمان نواز بود و چقدر همه منتظر آمدن حسنک
بودند! همه را یک به یک خواندیم و از «دبستان تا دانشگاه» را به
چشم بر هم زدنی طی کردیم.

خداوند حکیم پس از قرن‌ها که تاریخ ائمه علیهم السلام گذشت
از صلب تاریخ مردی را به صحنه روزگار آورد که چون ابراهیم بت
شکن بود. خمینی بزرگ را میگویم که از دل قرون و اعصار با
حرکتی الهی و قیامی خالصانه بزرگترین طاغوت جهان را در هم
کوبید با شعار «نجات دانشگاه از انحرافات، نجات کشور و ملت
است».

آخر دانشگاه در آن زمان شده بود مأمن و مأوای چوپانان دروغگو!

سال ۵۷ بود پس از اینکه «حسین فهمیده» ها انقلاب کرده بودند
و اتفاقاً «سر بلند هم گشته بودند از این قیام؛ سر بلند از آن جهت
که با بستن مین بر کمر و سربند «یازهر» به سر زیر تانک‌ها له
شده بودند و منهدم ساخته بودند دشمن را!

میخواستیم وارد فاز اجرایی انقلاب در مملکت بویژه دانشگاه
ها شویم که روح الله با دم مسیحایی خود وحی تازه دمید در
پیکر فرهنگمان و تصفیه کرد دانشگاه‌ها را از لوث حضور اساتید
شرقی و غربی مخالف با نظام جمهوری اسلامی، آخر قطار انقلاب
داشت به صخره‌ای عظیم از استبدادات درونی روشنفکرانه‌های
غرب گرا و جاسوسی و توطئه و شایعه پراکنی و فعالیت‌های
ضدانقلابی مهندسين فرهنگ‌ها برخورد میکرد، پس باید «ریزعلی
خواجوی»‌هایی می‌بودند که به آتش بکشاند پیراهن بر سر چوب
برای جلوگیری از انحراف این قطار!

چه بسیار ریزعلی‌خواجوی‌هایی که با اعتراضات خود در داخل
و خارج دانشگاه نقش وسیعی را در بازپس‌گیری کلید! قفل مأمن
های ملی گراها و چپ‌گرایان و لیبرالها و دگراندیش‌ها در دانشگاه
ها داشتند.

ریزعلی‌خواجوی‌هایی که صحنه تظاهرات و نارامی‌های
سازماندهی شده دانشجویی را بر ضد نظام سلطنتی مدنظر جنابانی
غرب گرا طراحی کرده بودند.

ریزعلی‌هایی که در آن هیاهو که بسیاری از اهالی فرهنگ در
جریان تحولات عظیم فرهنگی هضم شده و راهی جریان اب شده
بودند_خواستار استقلال فرهنگی بودند، خواستار تکیه محض بر
ایدئولوژی اسلامی و پرهیز از التقاط در قالب تجددگرایی!

آنانی که جهان بینی را تنها «جهان بینی اسلامی» خوانده بودند نه
جهان بینی شرقی یا غربی! و حقیقتاً چه بسیار سیلی‌ها که در
این راه بر گونه‌اشان نشست تا لباس عافیت بر تن فرهنگ اسلامی
مان بپوشاند تا به آنان که مدام سازشان _ ناکوک بود بفهمانند



داستانک

خدایا واقعا چرا من
باید بسوزم؟

انگار کسی آستین لباسم را میکشید.
ذهنم کمی از این افکار دور شد. دختری
که بارها جمله اش را تکرار کرده بود و متوجه
شده بود من نمی‌شنوم آستین لباسم را گرفته بود
و می‌کشید و مدام با لحنی که بوی تمسخر داشت،
میگفت: دست‌هایت را هم اسیدی میکنی! اسید، این
سرنوشت یه دختر جوون مثل من هست. چه دردناک!
بدنم سست شد. دیگه نمی‌تونستم بشینم.
چشم‌هایم بسته بود. صورتم هنوز می‌سوخت.
چشم‌هامو باز کردم. این آخرین امیدم بود. دوست داشتم
بتونم بینم هر چند کم.
اما، من میتونستم بینم! من جمعیتی را در اطرافم دیدم که
گرد تا گرد من بی‌حرکت و متعجب ایستاده بودند. همه
سکوت کرده بودند.

بعد از مدتی سکوت، صدای دختری که یونیفرم مدرسه بر تن
داشت، جمعیت را به خودش آورد.
دختر بلند گفت: اینکه صورتش نسوخته!

طولی نکشید که همه‌ی جمعیت پراکنده شدند. ولی واقعا من
نسوخته بودم؟ مگه میشه؟ من واقعا داشتم می‌سوختم!!
دختری که کنارم نشسته بود، بلند شد و دستمو گرفت و کمک کرد
بلند شم و با لحن بدی گفت: عجب جوئی دادی!!
زیر لب گفتم: جو!!

تازه به خودم اومده بودم ولی انگار خیلی وقت بوده که دور و برم
خالی از آدم شده بود.

بله من توی جو قرار گرفته بودم. نسوخته بودم. فقط آب بود. من
فقط قربانی القاء محیط نا امن در ایران شده بودم!
حالا یک سالی از این ماجرا میگذره. در این یک سال خیلی به
جوگرفتن و القاء یک حس فکر کرده بودم.

خیلی خوب می‌فهمیدم وقتی که اقتصاد ما مقاوم بود و تقریباً مردم
کشورم وضعیت مالی مناسبی داشتند و مغازه‌ها پر بود از خریدار،
ولی جو شبکه‌های ماهواره ای اون ور آبی باعث شد که فکر کنیم
تحریم‌ها دارد کمرمان را می‌شکند! جوری که همه توهم فقر زدند.
این ماجرا را زمانی بهتر درک کردم که در خیلی از علوم جزو بهترین
ها در دنیا هستیم و خیلی از علوم انحصاری در دست ما و چند کشور
دیگر است ولی جو دادن‌های بی‌جا و گفتن اینکه فقط بلد هستیم
آبگوشت درست کنیم، باعث شده ملت ما همیشه فکر کنند کشور
جهان‌سومی دارند و عقب مانده هستیم.

امان از دست این جو دادن‌ها!

مردمی که در اطرافم جمع بودند، تنها زمانی به حرف دخترک ایمان
آوردند که خودشان جو دادن‌های الکی را دیدند و درک کردند.
سال‌هاست که بت‌شکنی دارد فریاد میزند و روشن‌گری میکند که
می‌توانیم، ولی تا وقتی همه ما در حال جو دادن هستیم نمی‌توانیم
درک کنیم.

چه قدر مردم
بیکارن! انگار نه انگار
که هوا این قدر گرم شده ولی
باز هم خیابان‌ها پر از عابر و سواره
هست. اگر کار واجبی نداشتم به هیچ وجه
کتاب خواندن زیر کولر را به گرمای خیابان
ها نمی‌فروختم مخصوصاً حالا که از گوشه و
کنار شهر خبر اسیدپاشی‌های متعدد شنیده میشه.
ولی چه میشه کرد، باید کارم انجام میشد، یک سال
تحقیق و مطالعه داشت به آخر میرسید و نتیجه میداد.
گرما واقعا کلافه‌ام کرده. زمین این قدر داغ شده که
احساس میکنم پوست پام دارد از بین میره!

قیافه آدم‌هایی که از کنارم رد می‌شوند نشان‌میده
حالی بهتر از من ندارند ولی با این حال جمعیت زیادی
در پیاده‌رو هستند.

دیگه طاقت این همه آدم را ندارم. بهتره برم کنار
خیابان. خورشید که گرمایش همه جا هست، پس بهتره
برم یه جای خلوت‌تر. چیزی تا ایستگاه مترو نهنده. در
همین فکر‌ها بودم که موتوری با سرعت زیاد از کنارم رد
شد. کمی ترسیدم. بهتره کیفم را کج بندازم تا احتمال دزدیده
شدنش کمتر شه، آخر کل تلاش یک ساله ام در این کیفه، تلاشی
که خون دل‌ها خورده ام تا آماده بشن.

باز، دوجوانی که بر روی موتور بودند، دور زده بودند و با سرعت
از کنارم گذشتند و چند متر جلوتر از من ایستادند. نیم‌نگاهی
به آنها کردم. با هم حرف می‌زدند ولی به من نگاه نمی‌کردند و
لبخند مرموزی بر روی لب‌هایشان نقش بسته بود.

واقعا ترسیدم، بهتره به پیاده‌رو برم. تحمل خفگی و ازدحام
بهتر از احساس ناامنی هست. ولی هنوز پایم به کناره جوب
نرسیده بود که ...

صدای فریادم از درد، از صدای گاز موتور آن‌ها پیشی گرفت.
جوانی که پشت راننده موتور نشسته بود به روی من اسید
ریخت و حالا این من بودم که داشتم از درد به خودم
می‌پیچیدم. همان جا کنار جوب نشستم و فقط فریاد
میزدم که سوختم کمکم کنید.

سوختم! فیدونم صدایی در اطرافم نبود یا من کر شده
بودم. هیچ صدای نمی‌شنیدم و فقط صدای گریه‌ها و
فریاد من بود که متکلم وحده شده بود.

تمام صورت و گلویم می‌سوخت. مخصوصاً گلویم. به سختی می
توانستم آب دهانم را قورت دهم. وای خدای من! چرا سرنوشت من
به همین آسانی به سمت بدبختی کشیده شد؟ چرا من؟ چرا حالا
که به موفقیتیم نزدیک میشدم؟ خدایا من چطور میتونم به
آرزوهایی که برایشون می‌جنگیدم برسم؟ با این صورت از بین
رفته هیچ کار دیگری نمی‌توانم انجام دهم. وای خدایا کلی
برنامه داشتم برای زندگیم.

اعتكاف

ارسال کننده: iiighalameshghii

تعريف:

اعتكاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در احکام عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت خداوند . انسان می تواند در حال اعتكاف، بنشیند، بایستد، بخوابد یا راه برود.

شرایط اعتكاف کننده:

- ۱- عقل (از دیوانه صحیح نیست)
- ۲- ایمان (از غیر مؤمن صحیح نیست)
- ۳- قصد قربت (هرگونه ریا و خودمآیی، اعتكاف را باطل می کند)
- ۴- روزه داری در ایام اعتكاف
- ۵- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است مثلا فرزند از والدین

مسجد جامع چیست؟

مسجد جامع مسجدی است که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد و یا مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آنجا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله ای نداشته باشد.

زمان نیت اعتكاف چه وقت است آیا می توان اول شب نیت کرد؟

وقت نیت اعتكاف، اول طلوع فجر روز اول است و نیت اول شب در صورتی صحیح است که اول شب شروع در اعتكاف نموده باشد.

آیا می توان به علتی یا بدون علت در روز اول یا دوم، اعتكاف را قطع نمود؟ و اگر در قطع نمودن اعتكاف تردید کنم آیا نیت اعتكاف به هم می خورد و در نتیجه اعتكاف باطل می شود؟ و آیا لازم است که نیت مستمر باشد؟

در اعتكاف مستحبی جایز است که در روز اول و دوم اعتكاف قطع شود و نیت اعتكاف باید تا پایان روز سوم ادامه پیدا کند.

آیا اعتكاف در غیر از مساجد چهارگانه جایز است؟ و نیت آن چگونه می باشد؟

اعتكاف در غیر از مساجد چهارگانه* (اعم از جامع و غیر آن) به قصد رجاء مطلوبیت (به امید این که مطلوب خداوند واقع شود) مانعی ندارد

* مسجد الحرام، مسجد النبى (صلی الله علیه وآله وسلم)، مسجد کوفه و مسجد بصره

مسئولیت

نویسنده: matinemami

می گویند: معرفت، شناخت انسان، هستی و خداوند است که قدر و اندازه هر کدام را برای انسان تعیین می کند.

هرچه این شناخت کامل تر و بی عیب تر باشد، قدر واقعی هر چیز روشن تر می شود و به همین دلیل است که در دید حضرت امیرالمومنین (علیه السلام)، خدا بزرگ تر از همه چیز و دنیا کوچک ترین چیز است. شاید تا بحال هنگام مرور تاریخ زندگی ایشان با شگفتی از خود پرسیده باشی: چگونه یک انسان می تواند تا این اندازه صبر داشته باشد؟ چگونه یک انسان می تواند این قدر بر خود و زمان خود مسلط باشد که در اوج تلاطم ها، با تدبیر پیش می رود؟ چگونه انسانی می تواند درجات بالای زهد را، با حکومت و قدرت همراه کند؟

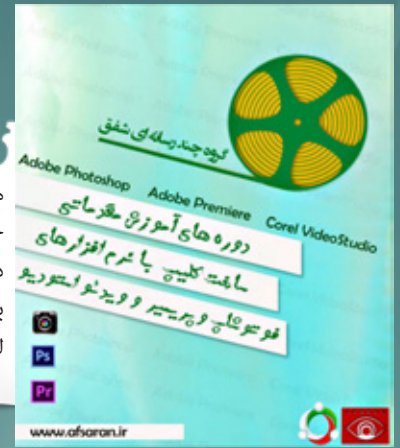
این راز جز در نگاه او نهفته نیست. وقتی در نگاهت، خدا به حدی بزرگ بود که جایی برای بقیه نماند، همه چیز دیگر هم با او دیده می شود و اهمیت و اولویت هر چیز با خداوند محک می خورد. وقتی هیچ چیز غیر خدا به چشم نیامد، وابستگی به آنها هم بی معنا و بی دلیل می شود؛ زیرا کسی وابستگی به ناچیزترین ها را افتخار می شمرد.

وابستگی ها که رفت، ترس ها، تردیدها و توهم های خودساخته هم از صحنه فکر و عمل بیرون می رود. اضافه بر این وقتی هیمنه دنیا از بین رفت و کوچک شد، در کف دستت هم می گنجد، آن وقت می توانی با نگاهی از بالا و مسلط، به تحلیل آن پردازش کنی، همه زوایایش را به بند بکشی، برای همه اتفاقات آمده و نیامده، برنامه بریزی و به جای اسارت و در بند حوادث بودن، امیری کنی و اهداف خویش را بر فراز کوه فکری های دیگران به پیش ببری. خدامحوری، آزادگی و تسلط، ویژگی های نگاهی است که از معرفت، نور می گیرد و حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) نمونه کامل این شناخت و این نگاه بود.

رابطه حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) و مسئولیت پذیری هم بر این اساس شکل گرفته است. تا قبل از آنکه مردم از ایشان بخواهند، رغبتی برای حکومت کردن نشان نمی دهد و آن را خوار می شمارد؛ اما همین که مسئولیت را پذیرفت، با جدیت آن را دنبال می کند. نه اینکه مسئولیت در چشمش بزرگ شده باشد، بلکه آن را تا امانتی می بیند که وقتی پذیرفت باید حش را ادا و از آن برای برپایی عدل استفاده کند.

این بخشی از بهره هایی است که می توان از شخصیت ممتاز حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) برداشت و به عنوان محور الگوگیری برای همه زمان ها استفاده کرد.

همزمان با سالروز شهادت سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی و روز هنر انقلاب اسلامی، گروه چند رسانه‌ای شفق دوره‌های مجازی آموزش کلیپ و انیمیشن را آغاز کرد. پیش از این گروه شفق یک دوره محدود مجازی را به صورت آزمایشی برگزار کرد. موفقیت دوره آزمایشی موجب شد دوره آموزشی به صورت عمومی در سایت افسران برگزار شود. علاقمندان می‌توانند در پروفایل [amoozeshgah](http://www.afsaran.ir) و با لینک روبرو ثبت‌نام کنند:



موضوع اولین بحث روز در سال ۹۴ مربوط به بیانیه لوزان بود. با عنوان: بیانیه لوزان؛ بیم‌ها و امیدها. این بحث بیش از ۲۸۰ نظر داشت و کاربران فعال، در این بحث شرکت کردند.

برنامه سی و چهارم رادیو افسران روز آخر سال گذشته یعنی ۲۹ اسفند منتشر شد. محوریت این برنامه نوروز فاطمی بود. رادیو افسران برای همکاری در زمینه‌های مختلف داوطلب می‌پذیرد.



ابزار کاتور که وسیله‌ای برای ساخت فوتوکاتور می‌باشد توسط برخی کاربران برای ارسال عکس استفاده می‌شود که اینکار برخلاف قوانین سایت و اهداف کاتور است و بارها موجب اعتراض شده است. امیدواریم کاربران از این ابزار به درستی استفاده کنند.

می‌خواهم تقاضا کنم از اشخاصی که برای ثواب می‌خواهید مکه، مدینه، عتبات عالیات مشرف بشوید؛ امروز ثوابی بالاتر از اینکه سازندگی کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود، نیست.

همان ثوابی را که شما از زیارت‌ها می‌خواهید، خداوند به شما در این جهاد خواهد داد. امام خمینی (ره) ۱۳۵۸

سلام صبح بخیر matinemami

مادر
می‌خواستم بهتون بگم اما کم آوردم! مادرم دو روز هست که در بخش c.c.u بستری شده‌اند. به دعایتان سخت محتاجم

sadra2241

سلام
امشب یکی از بدترین شب‌های زندگی‌م هست ولی راضی‌ام به رضای خدا...
۱۸ فروردین ۸۱ طلوع آفتاب و با غروب عمر پدر من همزمان بود...
پدری که با غروب آفتاب پیشش خوابیدم و با طلوع آفتاب عمر بابام غروب شد
برای شادی روح همه اموات مخصوصاً اموات افسرانی‌ها، شهدا، امام شهدا و همچنین پدر
بنده، یک حمد و صلوات...:»

javaherii313



پیام مادر شهید احمدی روشن بعد از انتشار متن بیانیه لوزان که توسط آقای [reza](http://www.afsaran.ir) منتشر شد.



تصویر ارسال شده توسط آقای [sajad](http://www.afsaran.ir)، الهام گرفته از وصیت شهید تهرانی مقدم



لینک خانوم [Sherlock](http://www.afsaran.ir) درباره توجه به همسایه که بسیار مورد استقبال مجازی قرار گرفت. امید که واقعی شود.

مصاحبه با سید مسعود طباطبائی



شهروندان خودش را هم طبقه بندی کرده و برای شهروندان عرب اسرائیلی عملاً حقوق چندانی قائل نشد. ما به این موارد هم پرداختیم.

هنرمندان مختلفی از همه جای دنیا در نفی ظلم اسرائیل فعال هستند؛ چه عکاس، چه نقاش و چه کاریکاتوریست. به عنوان مثال آقای «بنکسی» نقاش گرافیتی از انگلستان که در مورد مردم غزه نقاشی می کشد. آقای کارلوس لاتوف که به سرزمین های اشغالی سفر می کند و هم اسرائیل را می بیند و هم مردم غزه را؛ بعد از این بازدید اصلاً زندگی این آدم تغییر می کند و برای حمایت از مردم فلسطین کاریکاتورهای جسورانه ای در دنیا منتشر می کند.

اینها نشان میدهد ظلم رژیم صهیونیستی به مردم فلسطین آنقدر روشن شده و این ستم آنقدر آشکار است که هرآدم منصفی در دنیا کافیسیت یک روز به بررسی آن بپردازد؛ کاملاً متوجه میشود این رژیم یک رژیم آدمکش و کودک کش، ظالم، ترسو و اشغالگر هست.

خیلی از کسانی که در این زمینه فعالیت دارند نه مسلمان هستند و نه عرب اما انسان های آزادی خواهی هستند که از وضعیت مردم مظلوم فلسطین متأثر شده اند.

۸- برای این شرکت کننده ها مشکلی هم ایجاد شده ؟

هنرمندانی که از کشورهای غربی شرکت کردند غالباً تحت فشار بودند. البته ما تذکر داده بودیم و اکثراً با اسم مستعار شرکت کردند. چند نفری هم با اسم مستعار شرکت نکردند - بخصوص شرکت کنندگان فرانسه که قوانین سختی در این مورد دارند: ۱۰۰ هزار فرانک جریمه نقدی که معادل یوروی آن رادر نظر میگیرند و دو یا سه سال حبس - که ما مجدداً تذکر دادیم و آنها خواستار تغییر اسم شدند. ما هم با هماهنگی لازم اسم ها را تغییر دادیم در دوره اول مسابقه کاریکاتور هولوکاست، «میشل لویینگ» کاریکاتوریست اهل استرالیا چند روز بعد از انتشار آثارش روی سایت، اعلام کردند به این خاطر خیلی اذیت شدند و بارها مورد بازخواست و بازجویی قرار گرفته اند که ما مجبور شدیم لینک های ایشان را حذف کنیم.

مظلوم فلسطین بدهند؟
• چرا به دیگر هولوکاستهای معاصر که گاهی بزرگتر هم هستند توجهی نمیشود مثل هولوکاست اتمی هیروشیما و ناکازاکی، هولوکاست سوریه و عراق و غیره

۴- استقبال از این مسابقات چطور بود؟ و از چند کشور در آن شرکت کردند؟

استقبال فوق العاده عالی بود.. در دوره دوم از داخل کشور ۱۰۹ نفر از هنرمندان خوب کاریکاتوریست شرکت کردند. از خارج ۲۰۸ نفر شرکت کردند. در مجموع ۸۳۹ اثر در دو بخش کارتون و کاریکاتور بدست ما رسیده. غیر از ایران، ۵۰ کشور در این مسابقه شرکت کردند که از لحاظ تعداد شرکت کننده های کشورهای خارجی بالاترین آمار مربوط به کشور اندونزی، برزیل، ترکیه و فرانسه بوده. این آمار نشان میدهد مطرح کردن سوالات منطقی توجه هنرمندان را به این موضوع جلب کرده تا با ذهنیتی که اسرائیل در جهان ایجاد کرده و موضع خصمانه ای که در مقابل فلسطین و مردم غزه بوجود آورده مقابله کنند و این سوال را مطرح کنند که چرا فلسطین باید تاوان هولوکاست باشد؟ رویکرد بیشتر آثار هم همین موضوع بوده و این جریان باعث شده رژیم صهیونیستی به شدت به هراس بیفتد.

۵- از لحاظ سطح کارها و کمیت آنها دوره دوم نسبت به دوره قبل چطور بود؟

۱۰ کشور نسبت به دوره قبل اضافه شده و تعداد آثار هم تقریباً دوبرابر شده است. از لحاظ کیفی هم رشد فوق العاده ای داشتیم.

۶- نتایج این دوره اعلام شده ؟

تمام تلاشمان این هست که تا ماه بعد نتایج را اعلام کنیم.

۷- چه بازخوردی از این مسابقات در داخل و همینطور در سطح جهانی داشتید؟

سایتهای بسیار زیادی از جمله جرورام پست، هافینگت پست، شبکه های تلویزیونی و سایر رسانه های همسو با رژیم صهیونیستی شروع کردند به مقابله با این مسئله. حتی نماینده رژیم صهیونیستی از این مسابقه به سازمان ملل شکایت کرد تا از طریق بان کی مون جلوی برگزاری آن را بگیرند. در یک برنامه رادیو اسرائیل ما را آدمخوار توصیف کردند که همه اینها نشانه عصبانیت هست زیرا شاکله و بنیان رژیم صهیونیستی روی کلمه هولوکاست قرار گرفته و اکنون خود را در معرض فروپاشی می بینند.

در مورد مخاطب عام هم که در تظاهرات و پلاکاردها و فعالیت هایی که در جاهای مختلف در ارتباط با غزه برگزار میشود استفاده از این کاریکاتورها را شاهد هستیم.

خیلی ها در ارتباط ها و تماس ها، بابت پرداختن به این موضوع تشکر کردند. رژیم صهیونیستی

آقای سید مسعود شجاعی طباطبائی این روزها بیشتر با نام «خانه کاریکاتور» و «مسابقات کاریکاتور هولوکاست» و سایت «ایران کارتون» شناخته میشود. این هنرمند کاریکاتوریست و گرافیسیت، متولد ۱۳۴۲ در تهران است. ایشان مدیر خانه کاریکاتور، مدیر مسئول مجله کیهان کاریکاتور، سردبیر مجله ایران کارتون، مدیر بخش لاتین سایت ایران کارتون، مسئول گروه کاریکاتور حوزه هنری، دبیر بخش آسیا-فصلنامه کمیک جهانی-پنسیلوانیا-آمریکا(به مدیریت دکتر جان ا.لنت)، طراح و برنامه ریز اولین جشنواره کارتون بین المللی Greekartoon در سال ۱۳۸۵ در یونان و دارنده چندین جایزه داخلی و بین المللی می باشند. یک هنرمند انقلابی که تفاوت هنر ارزشی و غیر ارزشی را به بهترین نحو نشان داده است.

۱- آقای شجاعی فقط با کاریکاتور شناخته میشود؟

من بیشتر در حوزه کاریکاتور کار کردم ولی در زمان دفاع مقدس به عنوان عکاس هم فعالیت داشته ام.

۲- تحصیلات دانشگاهی شما چیست؟

فارغ التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد گرافیک از دانشکده تربیت مدرس.

۳- چه شد که به فکر برگزاری مسابقه در مورد هولوکاست افتادید؟

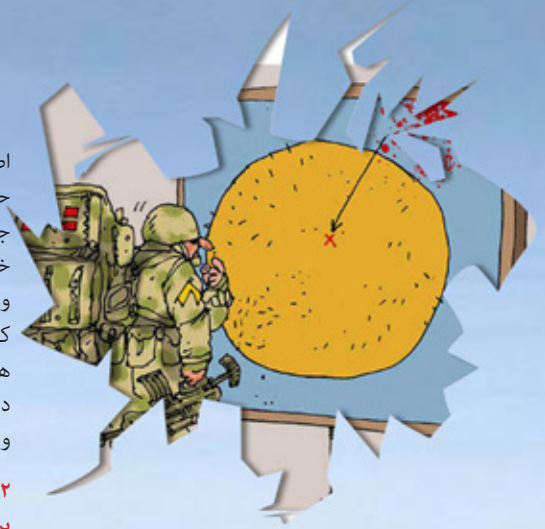
دو دوره است که این مسابقه برگزار میشود و هر بار هم بعد از توهین هایی بوده که به پیامبر اسلام شده است. دوره اول روزنامه داهارکی ژیلاندز پوستن تصویر توهین آمیزی از پیامبر را منتشر کرده بود و در این دوره هم شارلی ابدو اقدام به این کار کرد و کاریکاتور توهین آمیزی رو در تیراژ بالا منتشر کرد. ما هم هر دو بار واکنش نشان دادیم.

غربی ها ادعا می کنند آزادی حد و مرزی ندارد و توهین به پیامبران وادیان الهی مشکلی ندارد ولی وقتی بحث هولوکاست میشود خیلی جدی با مطرح کنندگان این بحث مقابله می کنند.

ما سه سوال کلیدی مطرح کردیم:

• اگر آزادی حد و مرز ندارد اجازه دهند محققین در زمینه هولوکاست فعالیت آزادانه داشته باشند و مشمول جرایم سنگین نقدی و حبس های طولانی نشوند.

• چرا تاوان هولوکاست رخ داده در غرب را باید مردم



۹- چرا رادیو اسرائیل لفظ «آدمخوار» را برای شما بکار برده؟!؟

در مورد هر چیزی که در فکر خودش هست و ذهنیت خودش هست صحبت می‌کنند. این یک کلمه عجیب و غریبی هست و در ادبیات دیپلماتیک چنین چیزی وجود ندارد. معلوم هست این واژه‌ها جزو ادبیات خودشان هست و باید در وصف خودشان گفته بشود!

۱۰- غیر از بحث شکایت رژیم صهیونیستی، از طرف افراد یا جریان‌های داخلی و خارجی کشور چه مشکلاتی ایجاد شد؟

بعد از مسابقه اول در ۲۲ کشور ممنوع الورد شد. سایت ایران کارتون را چندبار هک کردند و اذیت‌هایی که بطور معمول انجام می‌دهند. در داخل کشور هم در دوره اول، مسابقه را تحریم کردند و خیلی جدی در مقابل ما ایستادند. این دوره خوشبختانه نسبت به هولوکاست واکنش نشان ندادند بلکه نسبت به خود من واکنش نشان دادند! اعلام کردند که دوره مدیریت من در خانه کاریکاتور طولانی شده و نگران بودند که مثلاً خلاقیت بعد از ۱۷-۱۸ سال از بین می‌رود و از این قبیل حرف‌ها. تلاش کردند من را از خانه کاریکاتور منتقل کنند ولی خوشبختانه با ارتباط با مسئولین این مشکل حل شد.

۱۱- پس شما خودتون استعفا ندادید؟

وقتی قرار شد خانه کاریکاتور را ترک کنم، گفتم جایگزین من قطعاً آقای «نیرومند» خواهد بود. ایشان از کاریکاتوریست‌هایی هست که در قضیه هولوکاست خیلی کار کرده‌اند. مخالفان مدیریت من، همین را مبنا قرار داده و گفتند: این یعنی استعفا! بعد هم ما را برای تصفیه حساب فرستادند. وقتی تصفیه حساب گرفتم این قضیه رسانه‌ای شد که دوستان آمدند و گفتند: چرا تصفیه حساب؟! و الان چه وقت این کار هست؟! که بعد هم موضوع حل شد.

اما آن عده این کار [تلاش برای حذف از مدیریت] را دنبال می‌کنند و منتظرند ببینند شرایط چطور پیش خواهد رفت.

علاوه بر اینها رییس کلیمیان که در دوره اول، نمایشگاه ما را دیدند و قانع شده بودند که ما کار ضد یهود انجام نمی‌دهیم؛ در دوره دوم نامه نوشتند و اعلام کردند ما تحت ستم قرار گرفتیم و دارند ضد یهود کار می‌کنند! درحالی‌که ما در فراخوان اعلام کردیم

اصلاً دنبال یهودستیزی نیستیم و دنبال احقاق حق مردم فلسطین هستیم. آدم‌هایی که در جنگ جهانی گذشته شدن فقط یهودی و از یک کشور خاص نبودند. یهودی بوده، صرب بوده، روس بوده و.. اینها نباید بهانه غصب یک سرزمین شود تا کشوری به اسم اسرائیل بوجود آید. ولی خب همان جریان‌هایی که در رسانه‌های صهیونیستی دنبال میشود در داخل هم بطور مشابه وجود دارد و با ما مقابله می‌کنند.

۱۲- برای آموزش و گسترش دادن این رشته چه برنامه‌هایی داشتید؟

در سطح ایران، خانه‌های کاریکاتور، کلاس‌های آموزشی و انجمن‌های کاریکاتور خوشبختانه خیلی فعال هستند و ما هم همیشه در این مجامع حضور داشتیم. کلاس‌های آموزشی داشتیم؛ نمایشگاه، ورک شاپ و غیره.

به هر شکل کاریکاتور هنری هست که فراگیر شده و وجود اینترنت هم به ارتباط‌های متقابل و افزایش اطلاعات مربوط به این هنر خیلی کمک می‌کند.

۱۳- سایت ایران کارتون در شبکه‌های اجتماعی هم فعالیت دارد؟

بله. در بیشتر شبکه‌های مجازی از جمله فیسبوک با صفحاتی تحت عنوان «irancartoon worldcartoon» یا «خانه کاریکاتور» فعال بوده و بسیار هم استقبال شده است. مثلاً worldcartoon نزدیک به ۱۰ هزار نفر عضو دارد که اکثر کاریکاتوریست هستند. سایت هنر مقاومت (resist.ir) هم خیلی جدی در شبکه‌های داخلی فعالیت می‌کند.

۱۴- شما را در خارج کشور بیشتر میشناسند یا در داخل؟

فعالیت‌ها هم اینجا و هم خارج از کشور بوده. کاریکاتورهاییم در قالب کتاب ارائه شده. سایت ایران کارتون در سطح بین‌المللی فعال بوده و در مسابقات مختلف شرکت کردیم.

در حدود ۵۰ جشنواره‌ی داخلی و به همین نسبت در جشنواره‌های برگزار شده در ۱۴ کشور خارجی فعال بودم. هر سال در ۴-۵ مسابقه بین‌المللی با عناوین مختلف حضور دارم مثل داور یا دبیر یا برگزارکننده.

امسال هم ۴ مسابقه برگزار شد و در جریانش بودیم: غزه، مرگ بر آمریکا، هولوکاست و درحال حاضر داعش

۱۵- شما زمانی با گروه روایت فتح کار میکردید؟ از شهید آوینی خاطره‌ای دارید؟

بله. یکبار کاریکاتوری کارکرده بودم از یک ماهی که داخل تنگ بود. این تنگ داخل دریا قرار داشت نه روی آب و ماهی هیچ تقلایی برای خارج شدن از آن نداشت. آقای آوینی نگاه خیلی عجیبی داشت. می‌گفت اون ماهی، ما هستیم. تنگ،

فضای پیرامونی ماست و اقیانوس، فضای معرفتی اطراف ماست. ما فاصله‌ای با کسب معرفت نداریم و فقط یک فاصله کوچک شیشه‌ای وجود دارد. کمی تلاش کنیم می‌توانیم به اقیانوس برسیم. ایشان این کاریکاتور را در قطع بزرگ در نشریه سوره و در صفحه رنگی چاپ کردند. کار من سیاه و سفید بود!

۱۶- نظر شما در مورد رابطه با شیطان بزرگ، آمریکا چیست؟

اصلاً قابل اعتماد نیستند و این را به شکل‌های مختلف اثبات کرده‌اند. آنها همه چیز را از منظر منفعت خودشان و از بالا به پایین نگاه می‌کنند و می‌خواهند همه چیز در حیطه قدرت شان باشد.

۱۷- با توجه به مذاکرات انجام شده به نظر شما آیا آمریکا تحریم‌ها را لغو میکند؟

ما مردم بسیار خوب و باصفایی داریم. فکر می‌کنم گاهی بقیه کشورها را هم مثل خودمان صادق تصور میکنیم. ولی به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها همان تحریم‌ها را ادامه می‌دهند. اخیراً هم که چند تحریم را افزایش داده‌اند!

می‌گویند طی چند مرحله تحریم‌ها را برمی‌داریم و مسلماً طبق نظر خودشان عمل می‌کنند.

البته رییس‌جمهور و تیمشان تلاش می‌کنند شرایط را در سطح بین‌المللی به حالت عادی در بیاورند و این زحمات بسیار قابل تقدیر هست.

۱۸- اگر دوباره جنگ شود شما چه میکنید؟

ان شاء الله خدا سلامتی بده قطعاً در خط مقدم خواهیم بود مثل زمان دفاع مقدس که حضور داشتم. البته به جای اسلحه دوربین خواهیم داشت جهت ثبت وقایع جنگ.

۱۹- اگر صحبت یا توصیه‌ای برای کاربران سایت افسران جنگ نرم دارید بفرمایید

رهنمودهایی که حضرت آقا در مورد رسالت هنر انقلاب دارند را در سایت بگذارید. ایشان نکاتی را از منظر هنر مورد ارزیابی قرار دادند که خیلی زیبا و ارزنده است. این مطلب در سایت Khamenei.ir هست و چکیده سخنرانی‌هایی است که در رابطه با هنر مطرح شده و مطالعه آن بسیار مفید خواهد بود.



نور ولایت محبوبه خدا

نویسنده: parasto

معطر و منور واز تمامی جهان خلقت والاتر و برتر !
و تو فاطمه جان، راضیه مرضیه، نفس مطمئنه ای که وقتی قدم در
صحرای محشر می نهی، باید که همه سرها به زیر افکنده شود؛
تو را سرمشق زندگی مان قرار داده اند تا بدانیم که زن بودن یعنی
فاطمه وار زیستن!

فاطمه جان، نخستین ظهور اسم اعظم، تو که نامت، اسم رحمتی
است از مظاهر اسمای جمال الهی، زن را آموختی، با زنانگی با
شکوهت؛ مادر را آموختی با دستان مهربانت که حتی برای پدر هم
ام ابیها بودی و همسر را آموختی، با صبر ایوب وارت و تو الگوی
انسانیتی و این سخن ناقص است و این زبان الکن که تو را آن گونه
که باید وصف کند... و تو را باید در کلمه الله هِیَ العلیا شناخت، که
تو حجابی هستی ظاهری که نگاه دارنده عصمتی و عفاف ملکوت
و ناموس کبریا و عمیق تر آن که، حجابی هستی کبری با اسماء و
صفات، که ظهور تامه و مطلقه حقیقت وجودی ات را می پوشانی
که زمینیان هیچ گاه تو را، آن گونه که باید، نشناخته اند و نخواهند
شناخت، مگر آن روز که به اراده پروردگار عالمیان قدم در صحرای
محشر می نهی و سرها به زیر افکنده می شود و همگان در می
یابند که تو کوثر خدایی و جریان یافته در بستر زمین!

تو نمونه ی کاملی هستی از آفرینش و هستی از تو بود که موجود
شد، و آن روز هم تو را نخواهند شناخت، مگر آنان که محرم رازهای
دل تو خواهند شد و هیچ کس محرم رازهای دلت نخواهد شد، مگر
آن که با تو، زن بودن، بزرگ بودن و بزرگ زندگی کردن
را بیاموزد، انسانیت را بیاموزد که تو کلید تمام درهای
بسته انسانیتی ... شناختن تو را از این جا باید آغاز کرد
که تو در میان اسمای حسنا، مقامی داری خارج از درک
و فهم ما... تو را قسم به خنده های آسمانی پدر و به
دستان گرم و پر مهر مادرت، به حرف های مانده در دل
علی، اندکی از آن کوثر نور وجودت را به ما نیز بنوشان،
تا شاید ما نیز اندکی بتوانیم سیر من الظلمات الی النور
را طی کنیم ...

بانوی آب ها؛ تجلی نور خدا و جهاد پیامبر(ص) و فریاد
جلیّ علی(ع)! بر می خیزی و جهانی با تو بر می خیزد،
اما کاش تو را می فهمیدند این دست های دسپسه پرور
تا آتش را هم نشین روز واپسین خویش بر نمی گزیدند...
کاش می فهمیدند، که زمین، وامدار سخاوت بی مرز
توست و تو علی وار، زهرا بوده ای...

سلام و درود خدا بر یگانه بانویی که در عرش الهی محبوب ملائکه
مقرب وهم کلام با برترین آنان وحامل علم خدا یعنی جبرئیل امین
بود. درود بیکران خداوند بر فاطمه (س) که بهجت قلب و نور چشم
رسول (ص) و عزیزترین انسان ها در پیشگاه او بود؛ وجودی که نور
پیامبر (ص) سراسر او را احاطه نموده بود واز جهت شبیه ترین مردم
در رفتار و کردار به رسول خدا بود. مشرکان، پیامبر را ابتر خواندند و
خداوند، فاطمه را کوثر نامید؛ اِنَّا اعطیناک الکوثر فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ
* اِنَّ شَانِکَ هُوَ الْاَبْتَرُ. گفتند که پیش از خلقت تو بودی و بعد از آن
هم ... و ملائک در آسمان تسبیح گوی تو. و تو برترین خلقت خدایی

در جهان هستی. حوریان بهشتی دست به سینه به
احترام تو ایستاده اند تا قدم مبارکت را بر هستی گذاری.
زهرا ی عزیز عشق و واردت قلبی عاشقانه ما به تو تنها نه
از آن روست که تو دخت رسول اکرمی، کفو علی مرتضی
و ام ائمه! و نه بدان روی که حبیبه و برگزیده پروردگاری
و مظهر ولایت حضرت حق؛ و نه بدان جهت که در سیر
به سوی معبود و محبوب به والاترین مرحله قرب ره یافتی؛
و نه بدان دلیل که رب العالمین بزرگترین فرشته مقرب را
و سفیر وحی را که جبرئیل امین بود برای تسلی و دلداریت
بر تو نازل فرمود؛ و نه برای دیگر مقامات معنوی و مراتب
بندگی تو اما ارادت و محبت ما به تو علاوه بر این از
آن روست که روز سپید کرامت و حیات طیبه جامعه -
خانواده خویش را مدیون توایم. دلهای دختران ما، قلبهای
زنان ما و در یک کلام زندگی ما از
تو نور گرفته و با نام تو و عشق
تو معنا یافته است. و خود را
در پرتو شخصیت تو یافته ایم.
ما اذعان داریم که همه چیزمان
از تو و بیت تو و مکتب توست.
همان بیت محقر و گلی. لکن



برکتی از بهشت

در انتخاب دوست و رفیق، فوق العاده دقیق باش که مار خوش خط و خال فراوان است. همچنین در مطالعه کتاب هایی که به دستت می رسد، بر اطلاعات اسلامی و انسانی ات بیفزای. حتی الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می کشد، مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنما که سبب برکت عمر و موفقیت است. لازم به یادآوری است که در انجام فرایض، نهایت دقت را داشته باش عزیزم، می گویند:


**عمر دو بایست در این روزگار
مرد خردمند هنرپیشه را**

**با دگری تجربه بردن به کار
تا به یکی تجربه آموختن**

ولی بعضی افراد آن چنان زیرک و باهوش اند که گویی دوبار به دنیا آمده اند و این، بار دوم است و بعضی افراد چنانند که با چند بار به دنیا آمدن هم تجربه نمی آموزند خداوند متعال می فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» اگر نعمتی که به شما دادم، قدر دانستید و حق شناسی کردید، بر نعمت های خودم بر شما می افزایم و اگر ناسپاسی ورزید، همانا عذاب خدا شدید است». (ابراهیم: ۷) امید و آرزوی من این است که همه فرزندانم، قردان نعمت ها و تفضلات الهی باشند تا روز به روز، خداوند بر تفضلات خود و نعمات خود بیفزاید».

از توصیه های اخلاقی علامه شهید مطهری (ره) به فرزندش





خیلی خسته شده بود
خوابیده
نشسته‌ای بالای سرش
میخواهی نیم ساعت دیگر هم تماشایش کنی
از پشت پلکهایش تمام خوابش را ببینی
خودت را ببینی!
وسط نگرانی‌های پشت پلک‌هایی که حالا دیگر چین و چروک دارد..
بعد خم شوی و پایش را ببوسی
دستت را به پایش بکشی، بعد به صورتت،
جنسش را بفهمی
و با من هم عقیده شوی که:
خدا مادر را آفرید
تا دربارانش فرشته بودن را بیاموزند!

نویسنده: msabpeykar